

نصاب انگلیسی

یا

نزدیک و دور ننی اهل

(مشتمل بر واژه های انگلیسی با معادل فارسی و عربی)

اشر

مُعتمدالدوله فرهاد میرزا

به اهتمام

دکتر مهدی محقق

تهران ۱۳۸۵

Nisâb-i Ingilisi
A Traditional Glossary of English-
Persian-Arabic Words for Early
Learners in Verse

By
Mu'tamid al-Dawlah Farhâd Mîrzâ

Edited By
M. Mohaghegh

Tehran
2006

مجموعه زبان و ادب فارسی (۱۵)

نصاب الکیسی : محمد آقا به فرهاد میرزا

مؤسسه مطالعات اسلامی

۸۰۳/۵

۴۰/۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یادبود

سی و هفتمین سال تأسیس

مؤسسه مطالعات اسلامی

دانشگاه تهران - دانشگاه مکیل

۱۴ دیماه ۱۳۴۷ - ۴ ژانویه ۱۹۶۹

اسکن شد



دانشگاه مک‌گیل
مونترآل - کانادا

مؤسسه مطالعات اسلامی



دانشگاه تهران
تهران - ایران

نصاب انگلیسی
یا

نصاب مؤسسه نئی ابرک

(مشمول برواژه‌های انگلیسی با معادل فارسی و عربی)

اشر

مُعتمدالدوله فرهاد میرزا

به اهتمام

دکتر مهدی محقق

تهران ۱۳۸۵

مجموعه انتشارات انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران

۱۵

زیر نظر و اشراف: دکتر مهدی محقق

ناشر

مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران - دانشگاه مک گیل
خیابان انقلاب، شماره ۱۰۷۶، تلفن ۶۶۷۰۷۲۱۳ - ۶۶۷۲۱۳۳۲
دورنگار ۸۸۰۰۲۳۶۹، صندوق پستی ۱۳۳ - ۱۴۵ - ۱۳، تهران

تعداد ۱۰۰۰ نسخه از چاپ اول

کتاب نصاب انگلیسی یا زبان آموز سنتی ایران

از: معتمدالدوله فرهاد میرزا به اهتمام دکتر مهدی محقق

لیتوگرافی باختر، چاپ دالاهو، صحافی کیانی

چاپ و ترجمه و اقتباس از این کتاب منوط به اجازه

مؤسسه مطالعات اسلامی است.

شابک: ۹۶۴-۵۵۵۲-۳۳-۸ ISBN : 964-5552-33-8

قیمت: ۲۵۰۰ تومان

تهران ۱۳۸۵

فرهاد میرزا قاجار، ۱۲۳۳-۱۳۰۵ ق

نصاب انگلیسی، یا زبان آموز سنتی ایران (مشمول بر واژه های انگلیسی با معادل فارسی و عربی)
/ اثر معتمدالدوله فرهاد میرزا، به اهتمام مهدی محقق. -- تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه
تهران - دانشگاه مک گیل، ۱۳۸۴.

۱۶۸ ص. -- (مجموعه انتشارات انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران؛ ۱۵ / زیر نظر مهدی محقق)

ISBN : 964-5552-33-8

۲۵۰۰ ریال

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتاب حاضر به مناسبت یادبود سی و هفتمین سال تأسیس مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه
تهران - دانشگاه مک گیل ۱۴ دیماه ۱۳۴۷ - ۴ ژانویه ۱۹۶۹ منتشر گردیده است.

۱. زبان انگلیسی -- واژه نامه ها -- فارسی -- متون قدیمی تا ۱۸۰۰ م. ۲. زبان انگلیسی -- واژه نامه ها
-- عربی -- متون قدیمی تا ۱۸۰۰ م. ۳. زبان انگلیسی -- واژه نامه های منظوم -- متون قدیمی تا
۱۸۰۰ م. الف. محقق، مهدی، ۱۳۰۸ -، گردآورنده. ب. دانشگاه تهران. مؤسسه مطالعات اسلامی. ج.
عنوان. د. عنوان: زبان آموز سنتی ایران (مشمول بر واژه های انگلیسی با معادل فارسی و عربی).

۴۲۳۴

۳۷۴ ف ۲ / ۱۶۴۵ PE

۸۴-۳۳۵۶۶ م

کتابخانه ملی ایران

انتشارات

انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران

زیر نظر و اشراف: دکتر مهدی محقق

۱- گزارش نخستین مجلس علمی انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی، مشتمل بر سخنرانی‌های ایراد شده، به کوشش دکتر مهدی محقق، (تهران ۱۳۵۴).

۲- قرة العین، مشتمل بر امثال قرآن و احادیث و اندرزهای فارسی و عربی و نوادر حکایات، به کوشش دکتر امین پاشا اجلالی با مقدمه دکتر مهدی محقق، (تبریز ۱۳۵۴).

۳- همایی‌نامه، مشتمل بر شرح احوال و آثار مرحوم استاد جلال‌الدین همایی و بیست و پنج مقاله علمی و ادبی به زبانهای فارسی، عربی، انگلیسی و فرانسه تقدیم شده به ایشان، زیر نظر دکتر مهدی محقق، (تهران ۱۳۵۵).

۴- جشن‌نامه مدرّس رضوی، مشتمل بر شرح احوال و آثار مرحوم استاد سید محمدتقی مدرّس رضوی و سی مقاله علمی و ادبی تقدیم شده به ایشان، زیر نظر دکتر سید ضیاءالدین سجادی با همکاری دکتر اسماعیل حاکمی و محمد روشن، (تهران ۱۳۵۶).

۵- ظرائف و طرائف یا مضاف و منسوب‌های شهرهای اسلامی و پیرامون، این فرهنگ که در نوع خود بی‌نظیر است، مشتمل است بر متجاوز از هشتصد واژه مضاف یا منسوب با ذکر شواهد از نظم و نثر و اطلاعات تاریخی و جغرافیایی شهرهای اسلامی، تألیف دکتر محمد آبادی باوایل با مقدمه دکتر مهدی محقق، (تبریز ۱۳۵۷).

- ۶- حواشی دکتر محمد معین بر دیوان خاقانی به پیوست سه مقاله درباره آن شاعر، به کوشش دکتر سید ضیاءالدین سجادی، (تهران ۱۳۵۸).
- ۷- بوستان سعدی، با مقدمه و توضیحات و شرح نسخه بدل‌ها، به کوشش دکتر غلامحسین یوسفی به مقدمه دکتر مهدی محقق، (تهران ۱۳۵۹).
- ۸- آرام‌نامه، مشتمل بر شرح احوال و آثار استاد احمد آرام و مقالات علمی و ادبی تقدیم شده به ایشان، زیر نظر دکتر مهدی محقق، (تهران ۱۳۶۱).
- ۹- ینبوع الاسرار فی نصائح الابرار، از کمال‌الدین حسین خوارزمی، با مقدمه و حواشی و تعلیقات، به کوشش دکتر مهدی درخشان با مقدمه دکتر مهدی محقق، (تهران ۱۳۶۰).
- ۱۰- یادنامه ادیب نیشابوری، مشتمل بر شرح احوال و آثار مرحوم شیخ محمدتقی ادیب نیشابوری معروف به ادیب ثانی و مقالات علمی و ادبی تقدیم شده به ایشان، زیر نظر دکتر مهدی محقق، (تهران ۱۳۶۵).
- ۱۱- نکته‌ها و نقدها در پنجاه و پنج مقاله، به قلم دکتر حمید فرزام و مقدمه دکتر مهدی محقق، (تهران ۱۳۸۰).
- ۱۲- جهانگیرنامه، سروده قاسم ملاح، به کوشش و تصحیح دکتر سید ضیاءالدین سجادی و مقدمه دکتر مهدی محقق، (تهران ۱۳۸۰).
- ۱۳- دیوان غزلیات و رباعیات فتاحی نیشابوری (سیبک)، به اهتمام دکتر مهدی محقق و کبری بستان‌شیرین، (تهران ۱۳۸۱).
- ۱۴- فرهنگ بیست هزار مثل و حکمت و اصطلاح، گردآوری و تدوین دکتر مهندس صادق عظیمی، با پیشگفتار و مقاله‌ای از دکتر مهدی محقق (تهران ۱۳۸۲).
- ۱۵- نصاب انگلیسی یا زبان‌آموز سنتی ایران، معتمدالدوله فرهاد میرزا، به اهتمام دکتر مهدی محقق (تهران ۱۳۸۴).

پیشگفتار

بنام خداوند جان و خرد

یکی از علومی که مورد توجه و عنایت دانشمندان اسلامی بوده علم لغت است که آن را بر دو قسم تقسیم می‌کردند: علم لغات مفرد و علم لغات مرکب و برای هر قسم قوانینی خاص وضع کرده بودند. فارابی در کتاب **احصاء العلوم** می‌گوید که الفاظی که در هر زبان دلالت بر معنی می‌کنند بر دو قسم اند مفرد و مرکب، مفرد مانند سپیدی و سیاهی و انسان و حیوان و مرکب مانند انسان حیوان است و عمرو سپید است. او سپس چنین ادامه می‌دهد: علم الفاظ مفرد شامل علم بر یکایک الفاظ می‌شود که بر اجناس و انواع و اشخاص دلالت دارند و قوانین الفاظ مفرد بحث می‌کند از حروفی که این الفاظ از آن‌ها ترکیب شده و مخارج هر یک از این حروف. از همین قوانین است بحث از جامد بودن و مشتق بودن، مصدر بودن و مصدر نبودن و از نظر شمار حروف ثلاثی مجرد و رباعی بودن و همچنین مواد حروف از صحیح و معتل و مضاعف بودن. بر همین پایه دانشمندان به گردآوری لغات پرداختند و کتابهای گوناگون به روش مختلف در لغت تدوین کردند که از مهمترین آن‌ها می‌توان از کتاب **العین** خلیل ابن احمد فراهیدی و **صاحح اللغة** جوهری و **جمهرة اللغة** ابن درید و **قاموس المحيط** فیروز آبادی را نام برد. شماری دیگر از اهل لغت به تدوین فرهنگهای عربی به فارسی پرداختند که از میان آن‌ها می‌توان **السامی فی الاسامی** میدانی و **مقدمة الادب** زمخشری و **الخلاص** نظنزی و **قانون الادب** حبیش تفسیلی را ذکر کرد.

از آنجا که برخی از دانشمندان اسلامی، علوم مختلف را به نظم در می‌آوردند که ثبت و ضبط آن بر متعلمان آسان باشد این روش در علم لغت و فرهنگ نویسی هم راه یافت و کتابی که اکنون به خوانندگان گرامی عرضه می‌گردد از این نوع به شمار می‌آید که مؤلف لغات انگلیسی را به فارسی یا عربی برگردانده و فرهنگی منظوم را به نسل جوان زمان خود که جوایای فراگرفتن زبان انگلیسی بودند تقدیم داشته و آن را **نصاب انگلیسی** نام نهاده است. او در این شیوه از فرهنگ منظومی که حدود هشت قرن پیش به وسیله ابونصر فراهی بنام **نصاب الصبیان** تدوین شده که با یاری آن نوآموزان شماری از لغات عربی را همراه با معنی فارسی آن فرا می‌گرفتند پیروی کرده است.

کلمه «نصاب» نزد دانشمندان اسلامی به کتاب یا رساله‌ای اطلاق می‌شود که حداقل آنچه که در علمی خاص مورد لزوم است در بر داشته باشد و این اصطلاح از فقه گرفته شده که نصاب زکات به کمترین آنچه که باید زکات آن پرداخته شود گفته می‌شود که سعدی هم گفته است:

نصاب حسن در حد کمال است زکاتم ده که مسکین و فقیرم

نصاب الصبیان اثر ابونصر محمد بدرالدین فراهی سجزی متوفی ۶۴۰ که لغات عربی را همراه با معادل فارسی آن برای آموختن کودکان و نوآموزان به رشته نظم درآورده از کهن‌ترین کتاب‌ها در نوع خود است.

او مهمترین لغات یا کلماتی که که فکر می‌کرد مورد نیاز طالبان علم است در دویست بیت در محور مختلف آورده و در حقیقت مطالب کتاب را تشبیه به نقره کرده که نصاب آن یعنی حدی که به زکات تعلق می‌گیرد یعنی خداوند آن غنی و توانگر به شمار می‌آید دویست درهم است و طالب علم هم با خواندن و حفظ این دویست بیت می‌تواند ادعا کند که در فهم لغات عربی غنی و بی‌نیاز گشته است.

مرحوم محمد جواد مشکور در مقدمه **نصاب الصبیان** (تهران ۱۳۴۹) ابیات زیر را از مقدمه یکی از شروح نصاب برای تأیید این وجه تسمیه ذکر کرده است:

چنین گوید ابو نصر فراهی که بروی رحمت حق باد و رضوان
لغت را چون کلید علم دیدم نموداری به نظم آوردم از آن

که میل طبع مردم چون عزیزاست بسوی نظم و بر خواننده آن
دو صد بیت آمد و چون اندکی بود «نصائبش» نامه کرد بهر «صبيان»

فراهی خود در آغاز کتاب اشاره به همین موضوع کرده آنجا که گفته است:

« چون صبيان را پیش از تعلم لغت رغبت می‌افتد به اشعار فارسی چه خوش آمدن شعر مر طبع‌های موزون را غریزی است و تعلم لغت عرب کلید همه علم‌هاست پس هر چیزی را از علوم در میان این قطعه‌ها آوردیم تا به نوشتن و خواندن این نسخه هر کس را رغبت افتد و چون مجموع دویست بیت آمد او را نصاب صبيان نام کردیم».

او دویست بیت را در بحور و وزنهای مختلف آورده و در هر بحر نخست به تقطیع آن پرداخته تا طلاب به آسانی بتوانند اشعار را بخوانند. پس از فراهی روش نصاب نویسی متداول شد و به تقلید از او دانشمندان برای سهولت تعلیم و تعلم و حفظ لغات عربی و معانی فارسی آن‌ها کتاب نصاب نوشتند و این امر به ثبت و ضبط لهجات نیز سرایت کرد چنانکه نصاب‌هایی در لهجه‌ها نیز تألیف گردید که از مهمترین آن‌ها می‌توان نصاب طبری و نصاب بیرجندی را نام برد.

۱- نصاب طبری که در زمان محمد شاه پسر فتح‌علی شاه به فرمان اردشیر میرزا فرمانفرمای طبرستان به وسیلهٔ امیر تیمور قاجار ساروی به روش نصاب ابونصر فراهی سروده شده است. این نصاب با شرح و توضیح لغات و ذکر ریشه‌های پهلوی و اوستایی به وسیلهٔ دکتر صادق کیا در سال ۱۳۱۶ یزدگردی چاپ و منتشر شده است.

۲- نصاب بیرجندی که به وسیلهٔ علی اشرف متخلص به صبحی که در نیمهٔ دوم قرن دوازدهم و بخشی از نیمهٔ نخست سده سیزدهم هجری قمری می‌زیسته به رشتهٔ تحریر درآمده. این نصاب با شرح و توضیحات به وسیلهٔ دکتر جمال رضائی در سال ۱۳۴۴ در تهران چاپ شده است.

با رواج نصاب نویسی که نخست از عربی به فارسی آغاز گردید و سپس به لهجه‌ها و نیم زبان‌ها کشیده شد موجب گردید که پس از ورود زبان‌های خارجی به ویژه انگلیسی و فرانسه و آلمانی به ایران برای آن زبان‌ها نیز نصاب نوشته شود.

کتابی که اکنون به اهل علم به ویژه علاقه‌مندان زبان انگلیسی که اکنون زبان علم جهان به شمار می‌آید عرضه می‌شود نصاب انگلیسی است که شاهزاده معتمدالدوله فراهانی میرزا به فرمان شاهزاده اعتضادالسلطنه آن را در سال ۱۲۸۳ هجری قمری مطابق ۱۸۶۶ میلادی به نظم درآورده و به صورت چاپ سنگی منتشر شده است. انگیزه تدوین این نصاب و روش تحریر آن را در دو صفحه آغازین کتاب یاد می‌کند سپس ابیات را نقل و آنگاه در ذیل هر بیت واژه‌های عربی و فارسی و انگلیسی را در می‌آورد. در حواشی نسخه چاپی یادداشتهایی دیده می‌شود که ظاهراً از خود مؤلف است زیرا بیشتر عبارت « منه » در پایان یادداشتهای دیده می‌شود. یادداشتهای یاد شده و همچنین تصحیحات قیاسی که در واژه‌ها صورت گرفته همه در زیر نویس آورده شده است.

امید است که این کتاب نسل جوان به ویژه دانشجویان را سودمند افتد.

بعون الله تعالی و توفیقه .

مهدی محقق

هشتم آذر ماه ۱۳۸۱ هجری شمسی

هو الله تعالى
السُّلطان ناصر الدين
شاه قاجار

الحمد لله و المنة، درین اوان فیروزی نشان
از یمن و برکت وجود مسعود اعلیحضرت قدر قدرت
شاهنشاه اسلامیان پناه پادشاه گردون جاه
السُّلطان بن السُّلطان خلد الله ملکه و سُلطانہ
رواج بازار علم و دانش است و همه صنایع در ممالک ایران شایع است
از آن جمله سیم تلغراف است که در اکثر ولایات کشیده شده و اکنون
از دار السُّلطنه لندن تا کلکته که تقریباً شش ساعت نجومی مسافتست در
چند دقائق کشف حقایق می کنند و چون در دارالخلافه طهران معلّمین
تلغراف به زبان انگلیسی تکلم می کردند و متعلّمین آن زبان احتیاج به لغت
انگلیسی داشتند لهذا این کتاب نصاب به سعی و اهتمام نواب مستطاب
اشرف ارفع والا شاهزاده آزاده اعتضاد السُّلطنه وزیر علوم دام اجلاله و اقباله
العالی به صنعت طبع در آید که به سهولت از معضلات آن لغت کشف
الاسرار و بثّ اخبار نمایند
و کان تحریر ذلک فی بیستم شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۸۳ هجری.
علی هاجرهاالف الف سلام
موافق اول ستمبر ۱۸۶۶ ۱ September
سنه ۱۸۶۶ مسیحی انگلیسی

نصاب انگلیسی که از نتایج خاطر نوآب مستطاب حقایق و دقایق نصاب ذوالعز الرفیع و الحسب المنیع شاهزاده اعظم معتمد الدوله فرهاد میرزا دام اقباله العالی است.

بدان که اکثر لغات انگلیسی در تلفظ با صورت کتابت اختلاف دارد و آنچه به رشته نظم در آمده است موافق تلفظ فصحای ایشان است که اکثر از روی لغت واکر Walker تصحیح شده است. چون معانی لغت انگلیسی بعضی به لغت عربی و برخی به لغت فارسی بیان شده است لهذا در تحت هر شعری هر دو لغت را به دو زبان به ترتیبی که نظم شده است معلوم می سازد و همان لغت انگلیسی به خطی انگلیسی می نگارد که ملاحظه کنندگان از سه لغت آگاه شوند.

وَمِنْ اللَّهِ الْإِعَانَهُ وَالتَّوْفِيقَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در مه دَی جام می ده ای نگار ماهر و کز شمیم آن دماغ عقل گردد مشکبو
 فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن از لغات انگلیسی در رَمَل این قطعه جو
 هِنْد سر است و نَوَز بینی لِب لبست و آي چشم
 تُوْث دندان و فُوْث پا و هِنْد دست و فِیس رو

عربی	پارسی	انگلیسی
رأس	سر	Head
أنف، مَغْطَس، عَرْنِین	بینی	Nose
شَفَه	لب	lip
عَین، الناظِرَه، طَرْفَه، البَصَاصَه	چشم، دیده	eye
سَن، ضِرْس، فُغْز	دندان، گاز	Tooth
رِجَل	پای	Foot
یَد	دست	Hand
تَوَجَّه، مُحِیاء، طَلَعَتْ	رو، رخ، رخسار	Face

گوش و گردن اِیو و تِک چِیک چهره تَنگ آمد زبان
 ناف نِیول دان و پستان را بُزَم خوان هِنر مو

عربی	پارسی	انگلیسی
أذن، سامعه	گوش	Ear
جید، عُنُق، الرَقَبَه	گردن	Neck
جُهر	چهره	Cheek
لسان، المِسْحَل، الشَّاهِد	زبان، ژفان	Tongue
سُرَه	ناف	Navel
تَنَدی، تَنَدَوَه	پستان	bosom
شَعَر	مو، میو	Hair

بیروُد ریش و ساینْد پهلُو پشت بَک سینه یِوست
چین دَقَن انگشت فِنگِر چون تِرُوَت آمد گلو

انگلیسی	پارسی	عربی
Beard	ریش	لَحِيه
side	پهلُو	جَنْب
Back	پُشت	ظَهْر، مَتَن
Breast	سینه	صَدْر، کَلْکَل
chin	زَنَخ	دَقَن
Finger	انگشت	اصْبَع
Throat	گلو، نای	حَلْق، حُلُقُوم

آرَم بازو فی چه زانو نای چه ران اشکم بلی
آی لَشِر مَرگان شمار ابروی راخوان آی برو

انگلیسی	پارسی	عربی
arm	بازو	عَضْد
thigh	ران	فَخَذ
knee	زانو	رُكْبَه، عَین
belly	اشکم، شِکَم	بَطْن
eyelashes	مَرگان، مژه	هُدْب
eyebrow	ابرو	حَاجِب

ماه مَوْن و مهر سَن اِسْکَیْ فَلَک دَنیاست وَرْئِد
 دِیپ ژُرف و نایت شب دَی روز دان تِمْپَر چه خو

عربی	پارسی	انگلیسی
قَمَر، زَبَرقان، اَلطوس	ماه، لَوخَن	Moon
شمس، غزاله	مهر مَوْر، خُور	Sun
فلک	سِپهر	Sky
دَیْنا	جَهان، گیتی	world
عمیق	ژُرف، مَغ	Deep
لَیْل	شب	Night
یوم، نَهار	رُوز، رُوج	Day
دُأب، شِیمَه، دَیْدَن	خو، مَنش	temper

اِسپَرینْگ آمد بهار آتَم بود فصل خزان
 چو سَمَر صیف است وِیْتَر شد شتا بی گفتگو

عربی	پارسی	انگلیسی
رَبیع	بهار، بَهامین	Spring
خَریف	خزان، برگ ریزان، تیر	Autumn
صَیْف	تابستان	Summer
شِتا	زمستان	Winter

سَوْت را خوانی جنوب و نَاوْت را دانی شمال
ایست مشرق را شماری وِست مغرب را بگو

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
South	[جنوب]	جَنُوب
North	[شمال]	شَمال
East	خاور، بَتَو	مَشْرِق
West	باختر	مَغْرِب

اِرْت خاک است و وِیْنَد باد و فِیْر آتش و اَتر آب
بَنُت گرمابه و سَپ صابون و مَرَوِکِت چارسو

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Earth	خاک، اَچاک	تُرَاب، صَعید
Wind	باد	رِیح
Fire	آتش، وِداغ، آذر	نار
Water	آب	ماء
Bath	گرمابه، کَدُوخ	حَمَّام، رِیماس
Soap	بَرهَوَة	صابون
Market	چارسو، بازار	سُوق

آیل را خوانی جزیره همچو اُوشَن را محیط
پُورت بندر سی است دریا گلف هم شرمی ازو

انگلیسی	پارسی	عربی
Isle	آداک، خواست، آبجون	جزیره
Ocean	دریای بزرگ، اُروند	محیط
Port	بندر	مُکَلّا
Sea	دریا، دریاب	بَحر، یَم، قَمقام، طِم، قَلَمَسَ
Gulf	پاره‌ای از دریا	شَرَم، خلیج

سِستَر آمد خواهر و قَنَدِرُ پدر دَا تَرُ چه؟ دخت
وایف زوجه چون ما ذَر مادر بود هَز بند شُو

انگلیسی	پارسی	عربی
Sister	خواهر	أخت
Father	پدر، باب	أب، والد
Daughter	دُخت، دختر	بنت
Wife	جُفت	زَوْجَه، بَعْلَه
Mother	مادر، مام	ام، والدَه
Husband	شو، شوهر	زَوْج، بعل

پَرَت قسمتِ نِهم نامِ اَنِشِنَت می‌باشد قدیم
شَرَت پیراهن بود اِسکِرَت دامن جَر سَبو

عربی	پارسی	انگلیسی
قسمت، حصّه، سهم	بهره، ژون، رَسَد	Part
اسم	نام	Name
قدیم	باستان، دیرینه	Ancient
قمیص، قُرطه	پیراهن، کُرته، گِلّالَه	Shirt
ذیل	دامن، دامان	Skirt
جُرّه	سَبو	Jar

شِیپ باشد گوسفند و گَوَت بز صحرا پَلّین
خون پَلْد فایبر چه رگ چون لیچ می‌باشد زلو

عربی	پارسی	انگلیسی
شاة، غَنَم	گوسفند، گوسپند	Sheep
مَغز، التّیس	بُز، بُج	Goat
صحرا، مَهَمّه، قَلَاة، مَفَاژة	دشت، راغ	Plain
دَم، عَلَق، التّامور	خون، رنگ	Blood
عَرَق	رگ	Fibre
عَلَق	زَلو، دیوچه، شَلوک	Leech

چیپ را ارزان شماری همچو دیر آمد گران
زشت و بد را بد بدان و گود را خوب و نکو

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Cheep	ارزان	رَخِیص
Dear	گران	غالی
Bad	زشت، بد رنگ، گست	رَدی
Good	خوب، نکو، نیک	جَیْد

هپ امید و خنده لف گریه گری تاریک دَرک
لایت نور و آلد کهنه چون فیو گردید نو

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Hope	امید، هوس، آرزو	رَجَاء، اَمَل، مَتْنِیَة
Haugh	خنده	ضَحْک
Cry	گریه، مویه	بُكَاء
Dark	تاریک، تیره	مُظْلِم، دَاج، مُدْلِیْهِم
Light	تاب، فروغ، شید	نور، ضو، ضیاء
Old	کهنه، کهن	قَدِیْم، خَلْق، رَث
New	نو، نو، تازه	جَدِید، حَدِیْث

شأوت چه؟ کوتاه و لانگ آمد دراز و فَنردور
نیو شد نزدیک و های می دان بلند و پست لُو

انگلیسی	پارسی	عربی
Short	کوتاه	قصیر
Long	دراز	طویل
Far	دور، گالَه	بعید، اقصی
Near	نزدیک	قریب، آدنی
High	بلند	عالی، رفیع
Low	پست	خَفَض، غَوَر

پشم وُل چون کاشن پنبه لِفَت چپ چون رائت راست
فُل چه؟ پر امستی چه؟ خالی رُوَز گل اِسْمِل چه؟ بُو

انگلیسی	پارسی	عربی
Wool	پشم	عَهَن، صُوف، وَبَر
Cotton	پنبه	قُطَن، کُرْسُف
Left	چپ	شمال
Right	راست	یمین
Full	پُر، آگنج	مَلَان، مَلّی
Empty	تُهی	خالی
Rose	گل، گِرَدَنای	وَرْد
Smell	بو	شَم، رایحه، نِکْهَت، الرّیا

بُو کمان و تیر ازو چون دوست می باشد فِرند
میس گرز و تیغ سُرد اِنمی همی خوانی عدو

عربی	پارسی	انگلیسی
قوس، عَوْجا	کمان	Bow
سهم، نَبَل	تیر، ناوک	Arrow
صَدیق، خَلیل، خَدَن	دوست	Friend
جُرز، عَمود	گرز، لَخت	Mace
حُسام، سیف، لُج	تیغ، بَلارک	Sword
عدو، خصم	دشمن، بدسگال	Enemy

باکس جعبه تانگز ماشه نایف کارد اسپیت سیخ
هسک با بَوک است قشر و مغز را گوئی مرو

عربی	پارسی	انگلیسی
جعبه، کَنانَه	تیردان، ترکش، کیش	Box
مَلزِم	ماشه، اثَر	Tongs
سَکین	کارد	Knife
سَقُود	سیخ، گَرَدَنّا	Spit
قشر	پوست	Husk
لَب، مُخ	مغز	Bark

موش مَؤَس و گربه پُوس روباه فَاکْس و کلب دَاگ
گاو کَو گوساله کَاف و هازن می باشد سُرُو

انگلیسی	پارسی	عربی
Mouse	موش، مَرَزَن	فَاَرَه
Puss	گربه	سَنُور، هِرْ
Fox	روباه	تَغَلَب
Dog	سگ	کَلَب
Cow	گاو ماده	بقره
Calf	گوساله	عجل
Horn	سُرُو، شاخ	قَرَن

آپل سیب و پیر کمثری کایو کمثر خیار
آپوکات مشمش کونس آبی پیچ آمد هلو

انگلیسی	پارسی	عربی
Apple	سیب، خاسپ	تَفَاح
Pear	آمرود، مِلْ	کُمثری
Cucumber	خیار، بادرنگ	قَنَاء، قَنَد
Apricot	زردآلو	مِشْمِش
Quince	آبی، به	سَفَرَجَل
Peach	هلو، شفتالو	خَوْخ

چند هَوَ مَج بر اَوَر اِكْشَنَت جز آفِن بَسَا
ایف اگر هَو چون هَوَن کی هَوَیَر گردید کو

انگلیسی	پارسی	عربی
Howmuch	چند	کَم
Over	بر- فرا	عَلَى
Except	جز	غیر، سوی، اَلَا
Often	بسا	رُبَّ
If	اگر، هرگاه	اِنْ، لَوْ
How	چون، چگونه	كَيْفَ
When	کی	اَتَى
Where	کُو، کجا	اَیْنَ

داشتن تَوْهَو خریدن را همی نامی تو بای
خواستن تَو وَاَنَت خائیدن همی خوانی تو چو

انگلیسی	پارسی	عربی
To have	داشتن	مَلَک
To buy	خریدن	بَیْع
To want	خواستن	طَلَب
To chew	خائیدن	مَضَغ

بیت آخر را تأمل کن که تا دانی همی معنی مصدر نبخشد تا نباشد لفظ تُو

وله ایضاً فی البحر الخفیف

خیز و دمی ده که عمر در گذر است در گذر را چه مایه و اثر است
فَاعْلَآتُنْ مَفَاعِلُنْ فَعَلَات از خفیف این قصیده‌ام زبر است

گاذِ خدا و پِرافِت است نبی
پَرَدِیس آن بهشت مستقر است

انگلیسی

God

Prophet

Paradise

پارسی

خدا، ایزد، یزدان

پیغمبر

بهشت، مینو، گشتا

عربی

الله، اله، رَحْمَن

کَنَبی، رسول

جَنَّة، فردوس

أَنْجِلْ آمَد فرشته چَرُچِ کُنشت
رِیلِجان دین بدان و هِلْ سَقَر است

انگلیسی

Angel

Church

Religion

Hell

پارسی

فرشته، آمشاسپند

کُنشت

کیش

دوزخ، مَرَزْغان

عربی

مَلَك

کَنِسه، بیعه

دین، مَلَت

سَقَر، جهنم، هاویه

اَنْتَ عمه است و اَنْکَل است عمو
مرد مَن همچنانچه سان پسر است

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Aunt	خواهرِ پدر	عمّه
Uncle	برادرِ پدر، اَوْدِر	عمّ
Man	مرد، کاک	مَرء، رَجُل
Son	پسر، لَند، پُور	ابن

گَن چه؟ توپ است و مَسکِت است تفنگ
نیزه اِسپیر شیلد چه؟ سپر است

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Gun	توپ (توپ جنگی)	
Musket	تفنگ	
Spear	نیزه، بیغال	رُمح، قَنّاء، خُرصن
sheild	سپر	مِجَن، جُنّه، تُرس

صبح مَآرِنِنگ و شام اِیوِنِنگ است
تَؤدِی امروز دان و دَآن سحر است

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Morning	بام، شبگیر	صبح، فجر
Evening	شام	مَساء، عِشاء
Today	امروز	اَلیوم
Dawn	بام واپسین، پیش از صبح، بگاه	سَحَر

آهن بدن و کاپر مس
سیم سلور شمار و گولد زر است

انگلیسی	پارسی	عربی
Iron	آهن	حدید
Copper	مس	نحاس
Silver	سیم	نقره، فضه، لَجین
Gold	زر	ذهب، عَسْجَد، عقیان

لثم لنگ و پلیند باشد کور
دم و دِف همچنانکه لال و کر است

انگلیسی	پارسی	عربی
Lame	لنگ	أعرج
Blind	کور، نابینا	أعمی
Dumb	لال، ها کره	أخرس، أَبْکَم، أَلْکَن
Deaf	کر	اطروش، اصم

ترش باشد ساور سویت چه؟ خلو
سالت باشد نمک شکر شکر است

انگلیسی	پارسی	عربی
Sour	ترش	حامض
Sweet	شیرین، نوشین	خُلُو
Salt	نمک	ملح
Sugar	شکر	سُكَّر

هَنْوَت قلب است و اِسپَلین چه؟ سپرز
لَنگَرُ شش باشد و لَیوَز جگر است

عربی	پارسی	انگلیسی
قَلْب	دل، مَن	Heart
طَحَال	سپرز	Spleen
ریه، سَحَر	شش	Lung
کَبِد	جگر	Liver

شاپ دکان است چونکه کی است کلید
قفل را لاکِ خِوان و دُور در است

عربی	پارسی	انگلیسی
دَکَّان، حانوت، دَکَّه	دکان	Shop
مفتاح، اقلید	کلید، بَزَنگ	Key
قفل	کلیدان، بَند، کوپَلَه	Lock
باب	در	Door

وَنین ورید است و اَرَتُوی شریان
لَنسِت البته نام نبشتر است

عربی	پارسی	انگلیسی
ورید	رگ گردن	Vein
شریان	رگ جهنده	Artery
مَبضَع	نشتر، نیشتر	Lancet

استریم است جوی و اِرب گیاه
کوه مَوْن تین و رود رِیوز است

انگلیسی	پارسی	عربی
Stream	جوی	جَعْفَر، جَدُول، نَهر، سَعید
Herb	گیاه	نَبات، عُشب
Mountain	کوه، شخ	جبل، طُود، عَلم
River	رود، خوالی (بروزن عالی)	شَط، وادی

لایِن و پان ثر و میول و آس
شیر و یوز است و استر است و خَر است

انگلیسی	پارسی	عربی
Lion	شیر	أَسَد، ضَبَّعَم، قَسْوَرَه، لیث
Panther	یوز	فَهْد
Mule	آسْتَر	بَغْل
Ass	خَر	حمار، الْكَمْسَعَة، عَیر

لایت فینک است برق و ابر کِلود
تُنْدَر و رِین تندر و مطر است

انگلیسی	پارسی	عربی
Lightning	بُخْتَوَه، آذر گَشَب	برق
Cloud	ابر، میخ	سَحَاب، غَمَام، غیم
Thunder	تُنْدَر، بُخْتَوَه	رعد
Rain	باران	مَطَر، غَیْث

سیرتَن آمد یقین و دَوْت گمان
دِرِی و وِت چه؟ خشک دان و تر است

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Certain	باور، واخ	یقین
Doubt	گمان، پنداشت	شک، ظن، حَسَبان
Dry	خشک	یابس
Wet	تر	رَطَب

باغ گاردِن بود مِدَو چه؟ چمن
بَوْد مرغ است چون تِری شَجَر است

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Garden	باغ	بستان
Meadow	چمن، مرغزار	مَرَعی، مرتع، روضه، مرج
Bird	مرغ	طیر
Tree	درخت	شجر

اَنَدَر و دَین با بِنِیث چه؟ زیر
چو اَبُو با اَپان و اَپ زَبَر است

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Under-down-beneath	زیر	تحت
Above-upon-up	زَبَر	فوق

بعد اَفْتَرْ شمار و قبل بِفَوْرْ
مُؤَزْ اکثر بهیند پشت سراسر است

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
After	پَسْ	بَعْدْ
Before	پیش	قَبْلْ
More	بیشتر، افزونتر	اکْثَرْ
Behind	پُشت سر	خَلْفْ

نات بود لیس نَوُ بود الآن
مره وُنْسْ چون هُنَا هِیَرْ است

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Not	نیست	لَیْسْ
Now	اکنون، کنون	الْآنْ
Once	یکبار	مَرَّةْ
Here	اینجا	هُنَا

آت باید هُوَی چرا هُو کی
اُوَری و ایچ هر اَدَز دگر است

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Ought	باید	لَزِمَ او یَلَزِمُ
Why	چرا	لِمَ
Who	کی، که	مَنْ
Every-each	هر، همه	کُلِّ، قاطِبَه، کافَه
Other	دگر	آخِر

دود باشد سَمُوكُ و شعله فَلَنِيْمُ
تا که اَسْپَرَكُ نامی از شرر است

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Smoke	دود	دُخَان
Flame	زبان، لُخْشَه	مَارِج، شعله، لَهَبُ
Spark	اَخْگَر، خُدْرَه	شَرَر، شراره

وُود هیزم شمار و خار چه؟ فَاژَن
سا بود ارّه اَكْس چه؟ تَبَر است

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Wood	هیزم، هیمه	حَطَب
Thorn	خار	شوك
Saw	ارّه، یوسَه	مِنْشَار
Ax	تبر، تَوَر	فَاس، خَصِین

کُولْد سرد است و وَاَزْم باشد گرم
هَلْث صَحْت و یکیدَنِس چه؟ شر است

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Cold	سرد	صَرْد، بارِد
Warm	گرم	حَار، جَرَم
Health	تندرستی	صَحْت
Wickedness	بدی	شَر

سَنَگ اِسْتُونْ چون کِلاد کِلوخ
گَین نفع است و لاسْ چه؟ ضرر است

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Stone	سنگ، خارِه	حَجَر، جَنْدَل، جُلْمود
Clod	کُلوخ	مَدَر
Gain	سود	نفع
Loss	زیان	ضَرَر

رُؤْد راه است و جَرْنی است سفر
فَیر خوف است دَینَجَر خطر است

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Road	راه، باخ، هَنجَار	سَبیل، طَرِيق، صَرَاط
Journey	جَرْمَزَه	سَفَر
Fear	بیم، هراس، ترس	خوف
Danger	باک، اندیشه ناک	خطر

بُو فتای ظریف و دختر گِرُل
همچو فیَمیلُ ماده قیلُ نر است

انگلیسی	پارسی	عربی
Beau	ریدک، خوش منش	فتی ظریف، فکه
Girl	دختر	صَبِيْه
Female	ماده	أُنْثَى
Male	نر، گشن	ذَكَر

مَدی تَرْتین چیست؟ بحر سفید
کَسپین سی عبارت از خَزَر است

انگلیسی	پارسی	عربی
Mediterranean	دریای سفید	بَحْرِ أَبْيَض
Caspian sea	دریای مازندران، آبسگون	بَحْرِ الْخَزَر

قلم بخت من شکسته سر است

این بدان بحر و آن روی است که گفت

و له ایضاً دو بیتي

توهفت کوكب سيار را شناس بنام سن است مهرو وينس زهره مرس مر بهرام
 زحل ستون چيتوچه؟ مشتري مون ماه به موكوړي كه بود تير ختم گشت كلام

انگلیسی

Sun

Venus

Mars

Saturn

Jupiter

Moon

Mercury

پارسی

مهر، خورشید، شر

ناهید، زاور

بهرام

کیوان

برجیس، برو، زاوش

ماه، کوخن

تیر

عربی

شمس، شارق، بیضا

زهره

مریخ

زحل

مشتري

قمر، زبرقان، الطوس

عطارد

فی بحر المَجْتَث

رخ تو برده ز خورشید خاوری رونق کراست جز تو دل از خاره بر ز استبرق
مفاعِلن مفاعِلتن مفاعِلن مفاعِلات ز بحر مجتث ازین قطعه زیب یافت ورق

بَلَك سیاه و گرین اخضر و هَوَیت سفید
یَلُو چه زرد و رِدْ احمر بود یَلُو ازرق

عربی	پارسی	انگلیسی
أَسْوَد، حَلَك	سیاه	Black
أَخْضَر	سبز	Green
أَبْيَض	سفید	White
أَصْفَر	زرد	Yellow
أَحْمَر	سرخ	Red
أَزْرَق	کبود، آبی	Blue

فَزَنَت را و کَوَیل و کَرِن با استارک
تذرو خوانی و وُشم و کلنک بالقلق

عربی	پارسی	انگلیسی
تَذَرَج	تَذَرُو، تورنگ	Pheasant
سَلَوی، سُمائی	وُشم، سَمانه، وَتَک	Quail
کَرکی	کُلنگ	Crane
لَقَلَق	لَکَلگ، بلارج	Stork

فروش چه؟ تازه و سافت است نرم و هُودِ خشن
بادی بدنِ شمر و پُرسپی رَشَن چه؟ عرق

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Fresh	تازه	جدید
Soft	نرم	لَین، ناعِم
Hard	درشت، سفت	خَشِن، خَشَب
Body	تن، کالبد، پیکر	بدن، جسد، جسم
Perspiration	خُوی	عرق

فلی و لُوس و فلی بیتل را و مَسکیتو
قُذذ شماری و قمل و ذباب و گوزد و بق

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Flea	کیک	بُرغوث، قُذذ
Louse	شپش	قمل، حَمَك
Fly	مگس	ذباب
Beetle	گوزد	خَنَفَسا، خُطَبَا، فاسِیه
Mosquito	پشه، نازده	بق، بَعُوضَه

سِتی مدینه و دروازه گیت و برج کَسِلْ
تو آرک را سِتْدِلْ خوان و دیتِچ را خندق

انگلیسی	پارسی	عربی
City	شهر، نَه	مدینه، بَلَد، کورَه
Gate	دروازه	دَرْب
Castle	وَرْدَه، بخش	بُرْج
Citadel	آرْگ	مَعْقِل، حِصْن
Ditch	کَنده، تَرک	خَنْدَق

طناب رُؤْپْ بود خیمه تَنْت و آرمی جِیش
چنانچه کَمْپ معسکر بود فِلْک بیرق

انگلیسی	پارسی	عربی
Rope	ریسمان، وَرَس	طناب، رَسَن
Tent	خرگاه، چادر	خیمه، انکباء
Army	لشگر، سپاه	جِیش، عَسْکَر، جُنْد
Camp	لشگرگاه	مُعَسْکَر
Flag	درفش، اختر	بیرق، عَلَم، لواء

حیاط یۆد بود تَنک حوض و وَاَلْ جدار
چنانچه هست لَدَر نردبان پَلَس جَوَسَق

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Yard		حیاط
Tank	آبگیر، شَمَر، خانی	حوض، جابیه
Wall	دیوار	جدار، حایط
Ladder	نردبان، هدینه، اُرچین	سُلَم، معراج
Palace	جَوَسَه، کوشک	جَوَسَق

رُفُو و سوزن دَا رَفینک باشد و نِیدِل
کلاه و کفش کَپ و شُوز و کُوت دان یلمق

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Darning	پینه	رُفُو، رُقعه
Needle	سوزن، دَرزَن	اِبَرَه
Cap	کلاه، افزار	قَلَنسُوه
Shoes	کفش، پا افزار، جَمَشاک	قَفَش
Coat	یلمه	یَلَمَق، قبا

نهان چه سِکرت چون ایزی آمده آسان
عیان چه ؟ آپن، دِفی کَلت را شمر مغلق

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Secret	نهان، پنهان	سِرّ، سریره
Easy	آسان	سَهْل، یسیر
Open	آشکار، هویدا، پدیدار	عیان، عَلَایه، عَکَن
Difficult	سخن، دشوار	مُعَلَق

سِمین منی بود و قحبه را شناسی هُوُز
چنانچه پمپ قرمساق گشت و لَست شبق

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Semen	آبِ مرد، آبِ پشت که بچه ازو بود	مَنی، النُّطْفَه
Whore	روسپی، غَر شَلَف	قحبه
Pimp	قُرْمَساق، کَشخان، عَکَبان	قُنْدُع، دِیُوْت
Lust	کَشوَد	شَبَق، شَعَف

سِکَرِیت و لَازِج بزرگ است و خورد دانِ اِسْمال
کَلِیوَر است چو زیرک پِلاک هِذاست اِحمق

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Great-Large	بزرگ	کبیر، عظیم
Small	خُرَد، کوچک	صغیر
Clever	زیرک، هُشیوار، آریش	المَعی، لَوْدَعی
Blockhead	کالیو، بُل، گول	اِحمق

شمار سلفر گوگرد و آرسنیک زرنیخ
لذا است سُرَب و کویک سیلور بخوان زَیْتِیْقُ

انگلیسی

Sulphur

Arsenic

Lead

Quicksilver

پارسی

گوگرد، گندش

زَرنِیخ

سرب، اُسْرَب

سیماب، جیوه، آبک

عربی

کبریت

زَرنِیْق

اَنگ، اُسْرُف

زَیْتِیْق، رَجْرَاج

شَرَنگ شد کالاسینث و الوُز گشت صبر
سِنَا سناست هَلِیْبُور را شمر خربق

انگلیسی

Colocynth

Aloes

Senna

Hellebore

پارسی

کَبَسْت، شَرَنگ، کَوَسْت

الوا، شَب بار

عربی

حَنْظَل، عَلَقَم

صَبِر

سِنَا

خَرْبِق

رَدِشِ تَرَب و خَلَر وِئِج لِتِل است عدس
برای قافیه خوان بیتروَت را تو سَلَق

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Radish	تُرَب	فُجَل
Vetch	مُلُک، کُلُوک	خُلَر
Lentil	دائره، وَاَنج، مِرْجَمَک	عَدَس، بُلس
Beetroot	چُغَنَدَر	سَلَق

مِیَلِت چه ارزن و کاه اِسْتَرَا و رَیْسُ بَرَنج
پنیر چِیز و بِسَرَد نَان دو چیز خوب الحق

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Millet	ارزن	دُرَّة
Straw	کاه	تَبَن، رُفَه
Rice	برنج، بَج	أَرَز
Cheese	پنیر	جُبْن
Bread	نان	خُبز

جواب انوریست این قصیده کو فرمود مقدّری نه به آلت به قدرت مطلق

فی بحر التقارب

بده ساقیا آن می آتشین که آتش زند خرمن عقل و دین
 فعولن فعولن فعولن فعول بسبحر تقارب تقرب گزین

هی او آی من و یوشما وی است ما
 دئی ایشان دت آن دؤ تو و دیس چه؟ این

عربی	پارسی	انگلیسی
هُوَ	او، اوئی، وی	He
أَنَا	من	I
أَنْتُمْ، أَنْتُنَّ	شما	You
نَحْنُ	ما	We
هُمْ، هُنَّ	ایشان، اوشان، آنها	They
ذَاكَ، ذَلِكَ، تِلْكَ	آن	That
أَنْتَ، أَنْتِ	تو	Thou
هَذَا، هَذِهِ	این	This

و آند است و یا آر فرام است از
 الی تُو و قِل با و یذ و سَج چنین

عربی	پارسی	انگلیسی
وَ	و	And
إِمَّا، أَوْ، أَمْ	یا	Or
مِنْ	از	From
إِلَى، حَتَّى	تا	To-Till
مَعَ	با	With
كَذَا	چنین، ایمه	Such

ثِرْوُ بِن و اِین در هنوز است یت
بیاری بنفی آن، نُو و دیس و این

انگلیسی	پارسی	عربی
Through	میانہ	بَین
In	در، اَنَدَر، قَرا	فی
Yet	هنوز، تاکنون	الی حال، بَعْد
Un-No-Dis-In		حروف نافیه

آرینج است نارنج و لیمو لِمَن
گَریف است انگور و فیک هست تین

انگلیسی	پارسی	عربی
Orange	نارنگ	نارنج
Lemon	لیمُو	لیمُون
Grapes	انگور، سَته	عَنَب
Fig	انجیر	تین

ثِرْوُن تخت شامی کِرْوَن است تاج
بود رینگ حلقه خصوصاً نگین

انگلیسی	پارسی	عربی
Throne	تخت شاهی، گاه، اورنگ	سریر، آریکه
Crown	دیہیم، افسر، گِرَزَن	تاج، اِکلیل
Ring	نگین	خاتم

چو از مرد شاه است گویش کینگ
چو از زن بود شاهی خوانی کوین

انگلیسی

King

Queen

پارسی

شاه، خسرو، خدیو

عربی

ملک، سلطان، عاهل

ملکه

گِریس است یونان و ایچیت مصر
بود اندیا هند و چینا ست چین

انگلیسی

Greece

Egypt

India

China

پارسی

یونان

مصر

هندوستان

چین

عربی

یونان

مصر

هند

صین

دِسی و ز چه؟ مغوی منیستور وزیر
چو هر چنت تاجر ترستی امین

انگلیسی

Deceiver

Minister

Merchant

Trusty

پارسی

فریبنده، ریمَن

دستور

بازرگان

اُستوار، اوستان

عربی

مغوی

وزیر

تاجر

امین

سما هیون و نجم استر و لیف عمر
گریو است چون گور و ټیم است حین

عربی	پارسی	انگلیسی
سَمَاء، خَضْرَاء	آسمان، چَرخ، گرَزمان	Heaven
نجم، کوکب	ستاره، اَلوا	Star
عُمَر، سِن	د آد	Life
قَبْر، جَدَث	گور، دخمه	Grave
حین، وقت، اوان	گاه، هنگام	Time

سنه یتو باشد چو مَنت است شهر
شهور است مَنتِش چو یتو سَنین

عربی	پارسی	انگلیسی
سَنَة، حَوْل، عام، حَقَب	سال	Year
شهر	ماه	Month
شهور	ماهها، ماهیان	Months
سنین، احوال، اعوام، احقاب	سالها، سالیان	Years

پَرَامِيز وعده قِری تی است عهد
 چو پیشه است اَزت اُؤث خوانی یمین

انگلیسی	پارسی	عربی
Promise	نُوید	وَعْدَه
Treaty	پیمان، زَنهار	عَهْد
Art	پیشه، دَسْت رنج	صَنَعَت، حِرَفَت
Oath	سو گند	یَمین

بود ساکنس جوراب چون چکمه بُوتس
 بود بَتْن تکمه سَلِیو آستین

انگلیسی	پارسی	عربی
Socks	گُورَب	جوراب
Boots	چکمه، موزه	خُفّ
Button	تکمه	زَرّ
Sleeve	آستین، باذبان	کَمّ، رُدْن

بود لَین وِین لاغر و عیب فائت
 پُلْمُپ است با قَت به معنی سمین

انگلیسی	پارسی	عربی
Lean-Thin	لاغر، نزار	مَهْزول، غَثّ، نحیف
Fault	آهو، اک	عیب
Plump-Fat	فره، لنبه	سمین، مُبَلَنّ، مُکَدَنّ

شمر چای قی چایدان را قی پات

بود نحل بی چون هُنی انگین

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Tea	چای	
Teapot	چایدان	
Bee	مُنچ، رَسْمُو	نحل
Honey	انگین، شهد	عسل، مُعْجَاج

کمر را بخوان و نیست چون دنده ریب

چو ناخن بود نَیل فارهَد جبین

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Waist	کمر، میان	وسط
Rib	دنده	ضلع
Nail	ناخن	ظُفْر
Forehead	پیشانی	جبهه، جبین، ناصیه

یهود و یهودیه جو و جُوس

کثیف است دَرَتی چو طیب کلین

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Jew	جهود، نِفوک، تِداک	یَهُود
Jewess	زَن جهود	یَهُودِیَه
Dirty	پلید، چرکن، شُوخ گن	کثیف
Clean	پاک، پاکیزه	طیب

بود مَین معدن چو ریگ است سَند
 گِرَوَند است با پیت چاه و زمین

انگلیسی	پارسی	عربی
Mine	کان	مَعْدَن
Sand	ریگ	رَمَل
Pit	چاه	بُئر، قَلِیب، جُبّ
Ground	زمین، نَسکا	أَرْض، غَبْرَاء

بَبی بچه باشد چو توأم تَوْنَسْ
 ثِرُو چون مخاض است و فیتس جنین

انگلیسی	پارسی	عربی
Baby	بچه، کودک	طِفْل
Twins	هم شکم، جُنابه	تَوَام
Throe	دَرْدَزِه	مَخَاض
Foetus	بچه در شکم، افگانه	جَنین

دِرینک است و سِی سِرچ و سِی این چهار
 بنوش و بگوی بجوی و بین

انگلیسی	پارسی	عربی
Drink	بنوش	أَشْرَب
Say	بگوی	قُل
Search	بجوی	تَفَتَّشْ
See	بین	أَنْظُرْ

برینگ است و واش است و سِفَت و گذر
بیار و بشوی و به ییز و بچین

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Bring	بیار	هات، اعط
Wash	بشوی	اغسل
Sift	به ییز	تَذَخِّلْ
Gather	بچین	اجِنْ

گریند است با لیک و وی با سیلکت
بسا و بلیس و بسنج و گزین

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Grind	بسا	اسْحَقْ
Lick	بلیس	الْعَقْ، الْحَسْ
Weigh	بسنج	وَزَنْ
Select	گزین، بگزین	انتخب

وله ايضاً في الاعداد
وَن يَك و تُو دو و ثِرى سه و چهار
فُوْز و فَيُوْ است پنج وقتِ شمار

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
One	يَك	أَحَد، واحد
Two	دو	اِثْنَان
Three	سه	ثَلَاثَه
Four	چهار، چار	أَرْبَعَه
Five	پنج	خَمْسَه

سِکْس شش سِوَن هفت ایت چه؟ هشت
نَین نُه تَین به ده تو نیام گذار

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Six	شش	سِتَه
Seven	هفت	سَبْعَه
Eight	هشت	ثَمَانِيَه
Nine	نُه	تَسْعَه
Ten	دَه	عَشْرَه، عَقْد

ايلون با توالونو يا ويَب است

سیزده در شمارۀ ثیرتین آر

(یا اشاره به یازده، ویب اشاره به دوازده است در حساب ابجد)

عربی	پارسی	انگلیسی
أحد عشر، إحدى عشرة	یازده	Eleven
اثنا عشر، اثنتا عشرة	دوازده	Twelve
ثلاثة عشر، ثلث عشرة	سیزده	Thirteen

فورتین چارده است و مر فیف تین

پانزده در حساب کرد مدار

عربی	پارسی	انگلیسی
أربعة عشرة، أربع عشرة	چهارده	Fourteen
خمسة عشر، خمس عشرة	پانزده	Fifteen

سکس تین است سون تین ای تین

نَین تین نوزده است آخر بار

عربی	پارسی	انگلیسی
سبعة عشرة، ست عشرة	شانزده	Sixteen
سبعة عشر، سبع عشرة	هفده، هودّه	Seventeen
ثمانية عشرة، ثمانی عشرة	هجده	Eighteen
تسعة عشر، تسع عشرة	نوزده	Nineteen

بیست باشد تُوَنْتِی و تِرْتِی

سی بود فارتی چهل بشمار

انگلیسی

Twenty

Thirthy

Forty

پارسی

بیست

سی

چهل

عربی

عشرون

ثَلَاثُونَ

اربعون

هست پنجاه فف تی و تا صد

لفظ تی همچو تین در آخر آر

انگلیسی

Fifty

پارسی

پنجاه، مَر

عربی

خمسون

هَندَرِد صد دوِست را به حساب

نام تَوَهَنَدَرِد گرفته قرار

انگلیسی

Hundred

Two hundred

پارسی

صد، سد

دوِست

عربی

مائة

مائتان

در مآتای که در عمل هشیار

تا هزار ازدو و سه افزائی

الف تَوَزَنْد دان و تَوُتُوَزَنْد

در حساب محاسبین دو هزار

انگلیسی

Thousand

Two thousand

پارسی

هزار

دو هزار

عربی

ألف

ألفان

تا بآخر چنین بود دریاب
وقنا ربّنا عذاب النّار

One thousand(۱۰۰۰), two thousand(۲۰۰۰), Three thousand (۳۰۰۰), four thousand(۴۰۰۰), five thousand(۵۰۰۰), Six thousand (۶۰۰۰), Seven thousand(۷۰۰۰), Eight thousand (۸۰۰۰), Nine thousand(۹۰۰۰), Ten thousand(۱۰۰۰۰), Hundred thousand(۱۰۰۰۰۰).

وله ایضا فی البحرالرجز

تاچند باشد در غمت از دیده اشکم متصل آخر نگاهی سوی ما ای رشک خویان چکل
مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن می نام در بحر رجز قَیْگَر چه؟ بیر اشتر کِمل

انگلیسی

Tiger

Camel

پارسی

بیر

اشتر، شتر، هیون

عربی

بیر

ابل، بعیر

کفتار هینه خوک هاگ و آنگه پلنگ آمد لِهَرْد
کب بچه روباه و خرس افغان و واویلاست یِلْ

انگلیسی

Hyena

Hog

Leapard

Cub

Cub

Yell

پارسی

کفتار

خوک

پلنگ

بچه روباه

بچه خرس

افغان، فریاد، وای

عربی

ضبع، خضاجر، جعار

خنزیر، رت

نمر، سبنتی

هیجرس، تَتْفُلْ

ویسم

واویلا

ماهی قزل‌آلا قِیْرَوَت آزادماهی دان سَمَن
پس شاه‌ماهی دان هِرینگ چون گوش‌ماهی گشت شِل

عربی	پارسی	انگلیسی
قزل‌آلا	ماهی قزل‌آلا	Trout
آزادماهی	آزادماهی	Salmon
شاه‌ماهی	شاه‌ماهی	Herring
گوش‌ماهی	گوش‌ماهی	Shell

سرطان کِرب هم لایستو میگو شریفپ است و پُراون
خشکی است لَند و موج وِیو کشتی و ظرف آمد وِیل

عربی	پارسی	انگلیسی
سرطان	خرچنگ	Crab-Lobster
میگو	میگو	Shrimp-Prawn
موج، تیار، آذیه	نره، خیزاب، کوهه	Wave
فُلک، سفینه	کشتی، گُلَبَت، سُماری	Vessel
ظرف	باردان، وِند	Vessel
بر	خشکی	Land

گرم‌است هیت و گرم‌ها تِیخ آیس و یخندان فراست
بر ضد این دو قِیْمَهرِیت آمد هوای معتدل

عربی	پارسی	انگلیسی
حَرّ	گرم	Heat
حارّ	گرم، تَفَت	Hot
جَمَد	یخ، مَسَر	Ice
معتدل	نه گرم و نه سرد	Temperate
صَبارة القَر	یخندان، شجن	Frost

گزیَرَد و اینچ آمد گره خوانی کیوَبیت را ذراع
 اِسپن وجب دان ای ذکی یک ذرع و یک چارک چه؟ اِلْ

انگلیسی	پارسی	عربی
Yard	گَر، جَثان	ذَرع
Inch	گره	اصْبع
Cubit	اَرش	ذراع
Span	وجب، بَدست، اَوَدس	شِبْر
Ell	یک ذرع و یک چارک	

بیخ است رُوت و برگ لیف شادیست جای و غم گریف
 چون جائنت آمد متصل دیس جائنت می دان منفصل

انگلیسی	پارسی	عربی
Root	بیخ	اصل
Leaf	برگ	وَرَق
Joy	شادی	سُرور، مَسَرَّة
Grief	اندوه، گُرم	غَم، کَرْب
Joint	پیوسته	مُتَّصل
Disjoint	گسسته	مُنفصل

غربال سیو آجر پریک بیل و کلنگ آسپید و آکس
حجّار و بنا را شمر میسن چو مدّ گردید گل

انگلیسی	پارسی	عربی
Sieve	ماشو، پرویزن	غربال
Brick	آگور	آجر، آجور، طوب
Spade	بیل	مسنحاة
Axe	کلنگ	مغول
Mason	سنگتراش، گلیگر	حجّار و بنا
Mud	گل، زَمُو	طین

سنگ آسیا دان میلستون پس آسیابان دان میلر
بارلی چو جو گندم هویت چون آسیا خوانی تو مل

انگلیسی	پارسی	عربی
Millstone	سنگ آسیا	رحی، لافظه
Miller	آسیابان	طحّان
Barley	جو	شعیر، سلت
Wheat	گندم	حنطه، بُر، قمنح
Mill	آسیا	طاحونه، ناغور

إِسْلَانُو عَبْد و حُرَّ فِرَى زَنِت است حق و شرع لَا
 رشوه پُورِيب قاضی است جَدَنج باغی و طاغی دان وِیل

عربی	پارسی	انگلیسی
عَبْد، رقیق	رہی، بندہ، گروگان، آغوش	Slave
حُرَّ	آزاد	Free
حَقَّ	درست، ہُدہ	Right
شرع	کیش، آئین	Law
رَشوہ	فَرَحْج، لاج، پارہ	Bribe
قاضی	موبد، ہیربُد، وِچَر گَر	Judge
باغی، و طاغی خارجی		Rebel

ثیف است دزد و راہزن رَاپُر شمر دزدی چہ؟ ثِفَت
 سِنِتَنس حکم شرع دان چون سین گنہ پُورِڈَن بِحل

عربی	پارسی	انگلیسی
سارق، لَصَرَّ	دُزد	Thief
قاطع الطريق	راہزن، مَنگَل	Robber
سرقت، لُصُوصِيت	دزدی	Theft
حکم شرع، قَتوی	وِچَر	Sentence
ذَنْب، جُرْم	گنہ، گناہ، بزہ	Sin
مَغْفَرَة، عفو، حِلَّ	گذشت، بخشش	Pardon

غیرت چه؟ زیلِ انوی حسد همچون حسود آمد جِلَس
سِرُونَت چاکر عشق لَو معشوقه را خوانی تو بِل

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Zeal	زهر، رشک	غیرت
Envy	رشک	حسد
Jealous	رَشِکِن	حسود
Servant	چاکر، پیشکار	خادم
Love	مهر	عشق
Belle	جانان	معشوقه

ناقوس بِل راهب چه؟ مَنَک منبر شمر پُلپیت را
واعظ پَریچَر مرگ دِءِث ناقوس مردن دان تو نِل

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Bell	زنگ	ناقوس
Monk	کشیش	راهب
Pulpit	افزار	منبر
Preacher	اندرزگو	واعظ
Death	مرگ	موت، ختف، منون
knell	ناقوس مردن که در فوت سلاطین و امرا در کلیسا نوازند	

جنگ ست وار و صلح پیس آنکه عداوت انیمیتی
فیلیننگس وجدان ست و حسّ چون سِئِمِنْت افکارِ دل

انگلیسی

War

Peace

Enmity

Feeling

Sentiment

پارسی

جنگ، کارزار، رزم، نبرد، پیکار

آشتی

دشمنی، سگالش

یافتن و دریافت

افکارِ دل

عربی

حرب، دغی، قتال، هیجاء، دَفْعَه، لقاء

صلح

عداوت؟، بغضاء، شَخْناء

وجدان و حسّ

ما یَخْطُرُ بالبال

بی شرم را گو ایفُودِنْت بی شرمی آمد ایفُودِنْس
مادِست را محجوب دان شِیم انفعال و شِی خجل

انگلیسی

Impudent

Impudence

Modest

Shame

shy

پارسی

بی شرم

بی شرمی

شرمگن

آزرمگین

شرمنده، شرمسار

عربی

وقیح، بَذی، عارِم

وقاحت، غرام

محجوب، حُیّء

انفعال

خجل

جینای جنِ فیری پری چون اسپریت و سؤل جان
گبریل جبرائیل دان ابلیس و شیطان خوان دِول

انگلیسی	پارسی	عربی
Ginni		جن
Fairy	پری	وقاحت، غرام
Sprit- Soul	جان و روان	روح، مُهجة
Gabriel	سروش	جبرائیل، جبرئیل
Devil	آهرمن، دیو	ابلیس، شیطان

فَیث اعتقادِ انسپتیسزم انکار ایمان دان و دین
مؤمن بلیور را شمر کافر چه، باشد اینفدِل

انگلیسی	پارسی	عربی
Faith	نمشته	اعتقاد، عقیده
Scepticism		انکار ایمان و دین
Believer	فربود، ایزدگشنَب	مؤمن
Infidel	دُرَوَند، مُنَبِل	کافر

باشد بِلِسِ نعمتِ همی اهلِ نعیمِ آمدِ بِلِسند
 کاندِمدِ اهلِ هاویه چونِ هاویه گویی تو هِل

انگلیسی

Bliss

Blessed

Condemned

Hell

پارسی

مایهٔ زندگانی

بهشتی

دوزخی

دوزخ، مَرزغان

عربی

نعمت

اهلِ نعیم

اهلِ هاویه

هاویه، حَطْمَه، جهنم، سَقَر

كَزَن است اولادِ عمو نِویو شمارِ اولادِ اخ
 پِنوَنَتَس خوانی والدینِ معنی خوب و چاهِ وِل

انگلیسی

Cousin

Nephew

Parents

Well

پارسی

اولادِ عمو و اولادِ عمه و اولادِ خال و اولادِ خاله را
 نیز گویند.

اولادِ برادر و اولادِ خواهر را نیز گویند.

پدر و مادر

چاه

عربی

در عربی معلوم است مثلِ اولادِ
 العم و بناتِ العم و نظایرِ هما

والدین، اَبَوَین

تارچُور شکنجه دان و زجر آنکه پَنیشْمَنَت است عِقابُ
کُول است فحم آنکه بِلَینز آمد شواظ مشتعل

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Torture	شکنجه، بایک، پاهک	زَجْر، دَهَق
Punishment	آزار	عِقاب
Coal	انگشت، رُغال، رُگال	فَحْم
Blaze	زبانه بی دود	شواظ مُشْتَعِل

چون گوتِ نقرس شد گوتی به نقرس مبتلا
مسلول خوان کانسامپتیو کانسامپشن باشد چه سل

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Gout		نَقْرَس
Gouty		نَقْرَسِی
Consumptive	کاهیده	مَسْلُول
Consummption	کاهش	سِل، سَلال

پَرِهَلِیُون چه؟ عکس خور هاله هَلُوْ اِیکلِنِس را
می‌دان کسوف مهر و شید و شَدُوْ می‌خوان تو ظلّ

انگلیسی

Parhelion

پارسی

[خورشید ساختگی، نقطه‌ای

گرد و درخشان در هاله خورشید]

Halo

برهون ، شادو زُد، خرّ گر

هاله، داره

Eclipse

گرفت

خسوف و کسوف

Shade , Shadow

سایه، نش

ظلّ، فِیء، تُبع

نیک آمده کاپِیُوْلَشَن، مِدَنایت باشد نیمشب
کاک ذذب است و کنت حرّ چون خُصیه آمد تَسْتِیکَل

انگلیسی

Copulation

پارسی

نیوْتَش، آمیزه، جالَش

عربی

نِیک، جماع، رَفَت

Midnight

نیمشب

نصف اللیل

Cock

کیر، نیمور، خرزه، اَلْقِیه

ذَبْذَب، قَضِیب، ایر، عرد

Cunt

کُس، شلیفه

حَرّ، بُضْع، فَلْهَم، فَرَج

Testicle

گُند، خایه

خُصیه

کار گذشته پست دان باشد فیوچر آتیه
ممکن چو آمد پاسیبل محال ایمپاسیبل

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Past	کار گذشته	فعل ماضی
Future	آینده	آتیه
Possible	شونده	ممکن
Impossible	نشونده	محال

افسوس آلس ایضا دیتو هرگز نور بسیار مچ
یمکن پراپبل شمر پروهنس می دان یحتمل

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Alas	افسوس، دریغ	آسف، لهف
Ditto	نیز، هم، دیگر	ایضاً
Never	هرگز، بنیز	قطاً
Much	بسیار، افزون	کثیر
Probable	باشد که	یُمکن
Perhaps	شاید، بُوک	یَحتمَل، لَعَلَّ

آنلیس مگر اینک آواز بی هوند اینک اؤ چو ای
آری است پس مثل است لیک هموار و یکسان دان لول

عربی	پارسی	انگلیسی
الْآنَ	مگر اینک	Unless
مِنْ	از	Of
ذَا، هَذَا	اینک، آیدر	Behold
يَا، أَيَا، هَيَا	آی، آلا	O
نَعَمْ، أَجَلْ، بَلَى	آری	Yes
مِثْلَ، شَبَهَ، نَدَ	انباز، همال، مانند	Like
مُساوِی	هموار، یکسان	Level

فعل است وِزْب و اسم نون همچون پُلورل نام جمع
مفرد شماری سینگولر چون حرف خوانی پَرْتیکِل

عربی	پارسی	انگلیسی
فعل		Verb
اسم		Noun
جمع	همگان	Plural
مفرد	یکی	Singular
حرف		Particle

باشد مؤنث فَمْنِینِ همچون مذکرِ مَسْکُولِینِ
آمد نیوَنَرُ مستوی چون حرفِ عَله شد وَاوِل

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Feminine	زن	مؤنث
Masculine	مرد	مُذْکَر
Neuter	بی طرف، خنثی	مُسْتَوِی
Vowel	[مصوَّت، صدا دار]	حرفِ عَله

خوانی تهجی اسپلینگ همچون نِک تِیو است نفی
چون تنبیه باشد دُوئِل همچون دوتا آمد دَبِل

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Spelling		تهجی
Negative	نیست کردن	نَفی
Dual	دو	تنبیه
Double	دوتا	مَنّی

گویم اداة معرفة؟ گو ذی و ای و آن بود
کاین هر سه را خوانی همی در انگلیسی آر تیکل

انگلیسی

The

پارسیعربی

بدانکه اداة معرفه عبارت از سه حرف است که دایم به اسم متصل می شود که بیان می کند تعریف و مقدار و کمیت آن شیء را یکی ذی است که افاده عهد و تعیین می کند چنانکه کیو می ذی بُوک Give me book یعنی اعطنی کتاب که کتاب معین معهود مراد است.

A

و اَمّا ای برای وحدت است که افاده معنی وحدت در کلام می کند. مثلاً شیب A sheep یعنی یک گوسفند از جمله گوسفندها.

An

هرگاه A داخل شود بر اسم منعوتی که اول او حرف عله داشته باشد یا اچ H غیر ملفوظه باشد در آن صورت حرف N را به او ضم کرده برای خفت تلفظ مرکباً می خوانند آن ایگل Aneagle یک عقاب از جمله عقبان، An hour آن آؤر، یک ساعت از جمله ساعات. هرگاه اچ H ملفوظه باشد در آن صورت باز با A استعمال می شود، نحو ا هَند A hand یک دست.

بشکن بریک آویز هنگ می آی کم می ریز پُر
می گیر تیک می بند شت بنویس زیت می گوی قل

انگلیسی	پارسی	عربی
Break	بشکن	کسر
Hang	آویز	آسند
Come	می آی، یا	تعال
Pour	می ریز، بریز	صب
Take	می گیر، بگیر	خذ، ها
Shut	می بند، ببند	أشد
Write	بنویس	اكتب
Tell	می گوی، بگو، واج	قل

آموز تیج می ساز میک بگذار لت می کش در آ
بفروز لایت بگریز زن بشنو چو هیو بفروش سل

انگلیسی	پارسی	عربی
Teach	آموز	تعلم
Make	می ساز، بساز	اصنع
Let	بگذار، هل	دع
Draw	می کش، بکش	أجر
Light	بفروز	اشتعل
Run	بگریز	قر، أهرب
Hear	بشنو	اسمع
Sell	بفروش	بغ

افکند گشت آموخت قات زد استرؤک آزد هرت
 بشنید هرد ببرید گت گسترده لید افتاد فل

انگلیسی	پارسی	عربی
Cast	افکند	طَرَحَ
Taught	آموخت	تَعَلَّمَ
Struck	زد	ضَرَبَ
Hurt	آزد	زَجَرَ
Heard	بشنید	سَمِعَ
Cut	ببرید	قَطَعَ
Laid	گسترده	بَسَطَ، وَحَى
Fell	افتاد	سَقَطَ

قطعة فی البروج

بروج را زلتین انگلیس کردست اخذ
 کنون به اسم لتینی حَمَل بود آیریس
 تارؤس نور و دو پیکر شماریش جِمِنای
 بگوی کَنَسَر خرچنگ از پی تدریس
 اسد لَیو بود و نام سنبله وِرگُو
 تو لایِیراً را میزان شناس بی تلیس
 شمار عقرب اِسکارِیو و با وِرگُو
 وراست از نظر پنجگانه مر تسدیس
 کمان و جدی سجیتیویوس و کَپرِیکازن
 چو دَلو را اِگوئِرُس شماروحت پسیس

انگلیسی

Aries

Taurus

Gemini

Cancer

Leo

Virgo

Libra

Scorpio

Sagittarius

Capricorn

Aquarius

Pisces

پارسی

بَرَه

گاو

دو پیکر

خرچنگ

شیر

خوشه

ترازو

کژدم

کمان

بُرْ

دُل

ماهی

عربی

حَمَل

نور

جوزا، تَوَامِن

سَرَطان

اَسَد

سنبله، عذراً

میزان

عقرب

قوس، رامی

جَدی

دَلو، ساكِبُ الماء

خُوت

فی بحر المضارع

ای زافتاب روی تو خورشید در حجاب وز موی عنبرین تو سنبل به پیچ و تاب
مفعول فاعلات مفاعیل فاعلات بحر مضارع است مر این بحر مستطاب

اگ تخم مرغ باشد و خاگینه اُؤْمِلِت
یخنی بُواث و قلیه هُش و رُسْت دان کباب

انگلیسی	پارسی	عربی
Egg	تخم مرغ، آشینه	بَيْضَه
Omelet	خاگینه	عُجَه
Broth	یخنی	مَرَق، ثَرَبَد
Hash		قلیه
Roast		کباب

هِن ماکیان و جوجه چیکین دان خروس کاک
ترکی چه؟ مرغ بوقلمون و کرؤ غُرَاب

انگلیسی	پارسی	عربی
Hen	ماکیان	دُجَاجَه
Chicken	جوجه، فَرُغ	فَرَخ، فَرُوج
Cock	خروس، خُروه	دِیک
Turkey		بوقلمون
Crow	کلاغ	غُرَاب، غُدَاف

گنجشک اسپرُو شمر و آشیانه نَست

خانه است هُونس و جغد چه؟ اَوُل و روئین خراب

انگلیسی	پارسی	عربی
Sparrow	گنجشک، بنجشک	عُصفور، صَعْوَه
Nest	آشیانه، آشیان، کاورک	عُش، وُکُر، وُکُن
House	خانه	بَیت
Owl	جغد، بوم، بوف	صَدی
Ruin	ویران، نشت، یبات	خراب

زین دان سَدیل زمام پَریدِل چو دهنه بیت

اسب است هازنِ هوف سم و اِستِرَپ رکاب

انگلیسی	پارسی	عربی
Saddle	زین	سَرَج
Bridle	لگام	زمام، لجام
Bit	دَهنه	شکیمه، حَکمه
Horse	آشب، یگران، خَنگ	فَرَس، خَیَل
Hoof	سُم، سُنَب	سُتَبک، حافر
Stirrup		رکاب

اسکول مکتب آمد و چون مدرسه کالج

پن خامه اینک حبر بود بُوکِ مرکتاب

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
School	دبستان، دبیرستان	مکتب، کُتاب
College		مدرسه
Pen	خامه	قلم، یراعه
Ink	آمّه	حبر، مداد
Book	نامه	کتاب، صحیفه، سَفَر

سِتینس جمله وُرد سخن دیسپیوت بحث

لِکچُور افاده لِسَن چو درس اَنسُور جواب

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Sentence		جمله
Word	سخن، وَاَت، گپ	کلام، حدیث
Dispute	کاویدن	بَحْث
Lecture	یاددادن	افاده
Lesson		درس
Answer	پاسخ	جواب

داکتر طبیب و عالم چون میدسین دوا
بیمار ایل دیزیز مرض بدن چه رختخواب

انگلیسی	پارسی	عربی
Doctor	پزشک	طیب، ساغور، آلاسی
Medicine	درمان، دارو	دواء، علاج
Ill	بیمار و رنجور	سقیم، مریض، مُدنف
Disease	رنج، درد	مرض، دَنف
Bed	رختخواب، بستر	فراش، مهّاد

آسوده دان ترنکویل آشفته پریپلکسند
تعجیل هینست بیم درد فیر اضطراب

انگلیسی	پارسی	عربی
Tranquil	آسوده	مرقه
Perplexed	آشفته، دروا	مشوش
Haste	شتاب، بنیز	تعجیل
Dread	بیم، پروا	خوف
Fear	پریشانی، تپ	اضطراب

محروم دیس اپایتند مغموم ساروؤفل
 یأس است دیس پُرشَن هُئفَل چه؟ کامیاب

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Disappointed	نومید	محروم، مأیوس
Sorrowful	اندوهگین	مغموم
Desperation	نومیدی	یأس، حرمان
Hopeful	کامیاب، برومند	مظفر، محفوظ

پیر است اُلد و ینگ جوان است و طفل چَئِلْد
 پیری چه؟ اُلدنِس بود و یُوْثُ دان شباب

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Old	پیر	شیخ
Young	جوان، بُرنا	شاب، شارخ، قتی
Child	کودک	طفل، صَبّی
Oldness	پیری	هَرَم
Youth	جوانی	شباب، حَدَاثَت

شبنم دِیُو و برف چه؟ اِسَنُو تگرگ هیل
قوس قزح چه؟ رِیَنبُو آمد بیل حُباب

انگلیسی

Dew

Snow

Hail

Rainbow

Bubble

پارسی

شبنم، آفشک

برف، هُلناک

تگرگ، یخچه

آزفنداک، سرویسه، سَریر، تیرازه

فراسیاب، کُوپَلَه

عربی

سَدی

تَلَجْ

بَرَد، عَضْرَسْ

قوس قَزَح، قُسْطَانَه

حُباب

رُوم است اوطاق و وایند فراخ است و تَیت تنگ
خوانی کُویَلت را چو لحاف و سلینپ خواب

انگلیسی

Room

Wide

Tight

Quilt

Sleep

پارسی

اوطاق

فَرَاخ، گَشاد

تنگ

بَستَر آهنگ، زَبرپوش

خواب، بوشاسب

عربی

حُجْرَه، وِثاق

وَسِیع، رَحِیب

ضَیق، صَنَک

لَحاف

نَوم، رُقَاد

دیکتاتور است و بائیل به معنی تنگ می
چون اسپریت گشت عرق و این شد شراب

انگلیسی

Decanter, Bottle

Spirit

Wine

پارسی

تنگ می

می، باده، بگماز

عربی

بَلْبَلَه، صُراحیه

عَرَق

شَراب، خَمَر، مدام، راح

رایت و ثروث راست شمر چون دروغ فالس
لی کذب محض از غلط آمد قیرو صواب

انگلیسی

Right. Truth

False

Lie

Err

True

پارسی

راست

دروغ

درست

عربی

صدق

کذب، فریه

کذب محض

غلط

صواب

دانا است وائز فُول سفیه ابله است دُنس
رُفُوس را مضایقه خوان چایس انتخاب

عربی	پارسی	انگلیسی
عالم	دانا	Wise
سفیه	غَتَفَره	Fool
اَبَلَه	گول	Dunce
مضایقه	پَخشا، دریغ داشتن	Refuse
انتخاب	برگزیدن	Choice

ریج است و پور و ولث غنی و گدا و مال
رغبت چه؟ باشد؟ اینکلی نیشن شُن اجتناب

عربی	پارسی	انگلیسی
غنی	توانگر، مالدار	Rich
سایل، فقیر، عائل، مسکین	گدا، درویش	Poor
مال، نَشَب، عَرَض	خواسته	Wealth
رَغَبَت	خواهش	Inclination
اجتناب	به یک سو شدن	Shun

چنگ است هَرُپ و نای فُلُوت و گِیتار عود
مطرب شمار مینستِرول چون رِیک رباب

انگلیسی	پارسی	عربی
Harp	چنگ	صَنج
Flute	نای	مزمار
Guitar	بَرِط	عود
Minstrel	رامشگر، خنیاگر	مُطرب
Rebeck	چار تار	رُبَاب

خرگوش هِنر و اَنَتِلُوب آهو و گرگ وُلف
بیراست خرس و فیل اِلْفَنَت است تَسک ناب

انگلیسی	پارسی	عربی
Hare	خرگوش	اَرْتَب
Antelope	آهو	ظبی
Wolf	گرگ	ذئب، سَرْحان، سید
Bear	خرس	دُبّ
Elephant	پیل	فیل
Tusk	یَشک [دندان نیش، عاج]	ناب

چون متعه میستریس شد و منکوحه دان میسِی
چون بکر ورجین آمد پس ویل دان نقاب

انگلیسی

Mistress

Missis

Virgin

Veil

پارسی

دوشیزه، بالست

روی بند

عربی

مُتَعَه

مَنکوحه، مَعقُودَه

بِکَر، عَذراء

نقاب

باشد دِزِزَت بادیه و تشنه ثِرسَتی
انجَر اذِیت آمد و رِپُروف شد عتاب

انگلیسی

Desert

Thirsty

Injure

Reproof

پارسی

کویر، یُولاخ، بیابان

تشنه، کُشنه

آزار

بازخواست

عربی

بادیه، بیداء، تیه

عَطْشان، ظَلْمان

اذِیت

عتاب

افزود شد زمرد چون دای آهنگد ماس
دوبی و پول بهرمن و لؤلؤ خوشاب

عربی	پارسی	انگلیسی
زمرد	زمرد، مینو	Emerald
ماس	آبگینه [الماس]	Diamond
یاقوت	بهرمن، یاکنند، بهرمان	Ruby
لؤلؤ	مروارید، کسپرَج، گوهر	Pearl

طول است و عرض لانجی تیود و لتی تیود
اکسیس محور است و بود میثار شهاب

عربی	پارسی	انگلیسی
طول	درازا	Longitude
عرض	پهنا	Latitude
محور		Axis
شهاب	شوله	Meteor

چون منطقه است زؤدیک ممجو قُطب پُول
خط استواست چون ایکوئتر کره گلاب

عربی	پارسی	انگلیسی
منطقه، البروج، دایرة البروج	کمر بند	Zodiac
قُطب	نشین	Pole
خط اُستوا		Equator
کره	گوی	globe

قطعة فی الشهور

ماه‌های انگلیسی را شمارم بی‌خلاف ماه اولشان بود جنیواری را مشتمل
 زان سپس فبرواری پس مَرچ با اپریل و می بر مه جُون و جولای آگست می‌دان متصل
 از پس سِپتِمبر آکْتُوبر شماری در حساب از نُومبر چون دِسمبر می‌باشد منفصل
 ماهشان این اوّل هر سالشان بی اختلاف یازده از جدی باشد زو نگردد منتقل

عربی	پارسی	انگلیسی
محرم الحرام، مؤتمِر	فروردین ماه [اوایل دی تا اوایل بهمن]	January
صفر المظفر، ناجر	اردیبهشت ماه	February
ربیع الاول، خَوّان	خرداد ماه	March
ربیع الآخر، وبصان	تیر ماه	April
جمادی الاولى، خنین	مرداد ماه	May
جمادی الآخرة، ربّی	شهریور ماه	June
رجب المُرجَّب، أصم	مهر ماه	July
شعبان المعظّم، عاذل	آبان ماه	August
رمضان المبارک، ناتق	آذر ماه	September
شوال المُکرم، وعل	دی ماه	October
ذوالقعدة الحرام، ورّنه	بهمن ماه	November
ذوالحجة الحرام، بُرک	اسفندار مذ ماه	December

بحرالمجتث

خیال روی تو ای رشک لعبتان طراز مر است مونس و همدم درین شبان دراز
مفاعِلن مفاعِلتن مفاعِلن مفاعِلات ز بحر مجتث دلکش برآورم آواز

پوَرِیزِ حمد و ثنا تُنکِ شکر و پیسِ سلام
چو وَرْشِیپِ است عبادت پوَرِ است نماز

عربی	پارسی	انگلیسی
حمد، ثنا	سپاس، درود	Praise
شکر		Thank
سلام	درود	Peace
عبادت	پرستش	Worship
صَلوة	نماز	Prayer

برِیثْ شمار نفس کانِ کِلوژَن است انجام
مُؤمِنَت لحظه و همچون کامِنْسَمِنَت آغاز

عربی	پارسی	انگلیسی
نَفَس	دَم	Breath
آخِر، عاقبت	انجام، بتاوار	Conclusion
لحظه	آن	Moment
اوّل، مبدأ	آغاز، نخست	Commencement

پیکاک شماری طاووس و پرتودیچ کری
عقاب ایگل پارت طوطی است گوس چه قاز

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Peacock		طاووس
Partridge	کَبک، زَرچ	کری، قَبچ، حَجَل
Eagle	آله، دآلمَن، مود	عقاب، شَفوآء
Parrot	طوطی، توتک	بَيَّغاء
Goose	قاز	

مینیت دقیقه و ساعت آوز چو شیشه گِلَس
درجه دیگری هَف نصف و میستری شد راز

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Minute		دقیقه
Hour	تَسو	ساعت
Glass	شیشه، آبگینه	قاروره، زجاج
Degree		درجه
Half	نیم	نصف
Mystery	راز	سَر

وَدینگ چیست؟ عروسی، پراید هست عروس
مَریج مهر شمر پرایدل است جهاز

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Wedding	پیوگانی	عروسی
Bride	دُغد، پیوگ	عروس
Marriage	کابین، کاوین	مهر، صداق
Bridal	وَرَدک	جهاز

کیو اشاره بود پِرِشُواسَری تحریک
دَسیت خدعه جی نی آس ذکا آتُر اعزاز

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Cue	پَر خیده	اشاره، ایما
Persuasion	بر آغالیدن	تحریک
Deceit	فریب، آوَرَد	خدعه، حيله
Genius	هوش	ذُکاء
Honour	گرامی داشتن	اعزاز

توکرک ری ناسی راس دان و آستریج ظلیم
فراک ضفدع و بل گاو نرسو است گراز

انگلیسی	پارسی	عربی
Rhinoceros	کرک، [کرگدن]	کرگدن، حریش، مرمیس
Ostrich	شتر مرغ	ظلم، نعامه
Frog	غوک	ضفدع
Bull	گاو	ثور
Sow	گراز	عقر

روآرد اجرت و باور بیلیم طالع قیت
جو زهر پایزن چون سب لیکنشن است نیاز

انگلیسی	پارسی	عربی
Reward	مزد	أجرت
Belief	باور	قبول
Fate	سرنوشت، بخت	طالع، تقدیر
Poison	زهر	سم
Supplication	نیاز، تله	حاجت

پَراد پهن و سبک لایت چون هوی سنگین
بود حقیقتِ اِندید و می تَقَر چه مَجاز

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Broad	پهن، پخش	عریض
Light	سبک	خفیف
Heavy	سنگین، مِهنت	ثقیل
Indeed	آمیغ	حقیقت
Metaphore		مَجاز

مَدِیرِ ییر پَرندی و رُوم با شَفینین
شِری و پورت و لیکر قسمهایی از بگمار

Madeira, Beer, Brandy, Rum, Champaign, sherry, Port, Liquid

گرسنه هَنگِری است و کِلای چه سیری
طعام فوُود شمر چون آویدِتی شد آاز

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Hungry	گرسنه، ناهار	جایع، غَرثان، سَغبان
Cloy	سیری	كُظَة، شَبَع
Food	خوردنی، خوالی	طَعام
Avidity	آاز	حِرص

بیانند آن سو آنسو چه؟ نیز ولکن بت
مباد لست ازیرا که آزاگن شد باز

انگلیسی	پارسی	عربی
Beyond	آنسو	وَرَاءُ
Also	نیز	أَيْضاً
But	ولیک، لیک	لکن
Lest	مباد	العیاذ
As	ازیرا که	لَأَجْلِ، ذَلِكْ
Again	باز	تکرار

دین است آنگه و پس سینس مُنْذُ فَا رِ لَأَجْلِ
کِلاهُما چه بود؟ بُؤْثُ اَنَّمَا چه؟ بِكَازْ

انگلیسی	پارسی	عربی
Then	آنگه، پس	حِیْثُ
Since	از آنگاه	مُنْذُ
For	از برای	لَأَجْلِ
Both	هر دو	کِلاهُما
Because	به درستی که	اَنَّمَا

بیوتی قُل چو جمیل است مر بَلَنَدِشْمِنَت
کرشمه خوانی همچو کُکیتوی را ناز

<u>عربی</u>	<u>پارسی</u>	<u>انگلیسی</u>
جمیل	زیبا	Beautiful
غمزه	کرشمه	Blandishment
دَلال	ناز، الغنّجار	Coquetry

شکار گیم تَلَن پنجه بیک چه؟ منقار
چو بال وینگ بود هاگ را شماری باز

<u>عربی</u>	<u>پارسی</u>	<u>انگلیسی</u>
صید	شکار، نخجیر	Game
مخلَب	پنجه	Talon
منقار	تُک	Beak
جناح	بال، پَر	Wing
صَفَر	باز	Hawk

کَرَت چو اِسپَرگَسَن تَرَنپ است با اَنِین
بمعنی گَرَز و مارچوبه لفت و پیاز

عربی	پارسی	انگلیسی
جَزَر	گرز [هویج]	Carrot
هَلِیون	مارچوبه	Asparagus
لِفَت، سَلَجَم	شَلغم، شَلَم	Turnip
بَصَل	پیاز	Onion

قطعة فی ایام الاسبوع

ایام هفته را بسریم که هفته و یک یکشنبه سَنَدی است و دوشنبه چو مَنَدی
روز سه شنبه را بشماری تَیوَزَدی روز نشاط و خرمی و نوبت می است
پس اربعاست و نَزَدی و تَرَزَدی خمیس جمعه فِرَی دِی است که او از پس وی است
شنبه سَتَرَدی است برای مسافرت از گفته رسول که روز نکو پی است

عربی	پارسی	انگلیسی
أَسبوع	هفته	Week
الاَحَد، اَوَّل	یکشنبه	Sunday
الاثنين، اَهْوَن	دوشنبه	Monday
الثلاثاء، جُبَار	سه شنبه	Tuesday
الاربعاء، دِبار	چهارشنبه	Wednesday
الخمیس، مونس	پنجشنبه	Tuesday
الجمعه، عَرَوِیه	آدینه	Friday
السَّبْت، شِیار	شنبه	Saturday

فی بحر الخفیف

ای ترک بدہ می مغانہ با نای و نی و دف و چغانہ
مفعول و مفاعلن فعولن شد بحر خفیف در ترانہ

کاهوست لیتیس و ملبری توت
واترملن است هندوانہ

عربی	پارسی	انگلیسی
خَس	کاهو، کوک	Lettuce
قَرصاد	توت	Mulberry
فَج، حَبَب	هندوانہ	Watermelon

لوکین گلس است نام مرآة
لاک است و کؤم است زلف و شانہ

عربی	پارسی	انگلیسی
مِرآة، سَجَنجَل، ماوِیہ	آئینہ	Looking glass
صَدغ	کلالہ، زلف	Lock
مَشط	شانہ	Comb

دانی پلؤنت را خوش و خوب
مین ذلت و آيج را زمانہ

عربی	پارسی	انگلیسی
جَيَد	خوش، خوب	Pleasant
ذَلَت	خواری	Mean
زمانہ	روزگار، کیهان	Age

زود است چو سُون و سَد پشیمان

خوانی پیری تَنس را بهانه

انگلیسی

Soon

Sad

Pretence

پارسی

زود

پشیمان

بهانه، پوزش

عربی

عَجَل

سَدِّمان، نُدِّمان

عَذْر

بشقاب پَلَنیت و بُؤل کاسه

آنت است چو مور و هُؤل لانه

انگلیسی

Plate

Bowl

Ant

Hole

پارسی

بشقاب، تَبشی

کاسه

مور

لانه

عربی

دِیسَق

کاس، قِصْعَه

نَمَل، ذَرَّ

حُجْر

کُوشین و پیلُو شناس بالش

فرش است فِلُؤر و هُؤم خانه

انگلیسی

Cushion, Pillow

Floor

Home

پارسی

بالش، بالین

هر چه واگسترانند

خانه

عربی

مَنْبَذَه، وسادَه

فرش، بِساط

بیت، دار

بیل است برات چون منی پول
گوئی قِرْعَزُور را خزانہ

انگلیسی	پارسی	عربی
Bill	کاغذ زر	برات
Money	پول	وَرَق، فِلَس
Treasure	گنج، پُوتَه	خزانہ، کَنْز

اِستیر و سَپ است با تِرش هولِد
مِرْقاة و رطوبت و ستانہ

انگلیسی	پارسی	عربی
Stair	پَلّہ، پَغْنَه	مِرْقاة، قَصْفَه
Sap	تری، نم	رطوبت، نَدَاوَت
Threshold	سَتانہ، آستانہ	وَصید، عَتَبَه

بائی چه؟ ولید و مرأة وُومَنُ
وُومَن لَی را شمر زنانه

انگلیسی	پارسی	عربی
Boy	کودک	ولید
Woman	زَن، خَاَرَه	مرأه، قَعیدَه
Womanly	زنانه	أُنوْثیَه

سیلی سَلَپ است چون دهن مَوْت
فیست است چو مشت جَاسْت چانه

انگلیسی	پارسی	عربی
Slap	سیلی	صَفَع
Mouth	دَهَن، دَهان	فَم
Fist	مشت، اُور	
Jaw	چانه، مَنَه	ذَقَن

فَوَل است چو طیر پَاسْت پنجه
نِست دَام بود گِرَین دانه

انگلیسی	پارسی	عربی
Fowl	مرغ	طیر
Paw	پنجه، چنگال	مَخْلَب
Net	دام، تله، جال	فَخ، شبکه، شَرک
Grain	دانه	بَزَر

گَر لیک سیر است و پَسْتَل دَسته
پَس مارتَر شَناس یانه

انگلیسی	پارسی	عربی
Garlic	سیر	فوم
Pestle	دسته، یاور	منحاز
Mortar	یانه	هاوَن، مِهَراس

تَوْن است قَصَبْچِه چُون ویلیج ده
مَرَجین شمری همی کرانه

انگلیسی	پارسی	عربی
Town	شهر خورد [خرده، کوچک] تومن	قصبه
Village	ده، کلاته	قریه، کَفَر
Margin	کرانه، کناره	خافق

فی بحر الرجز

از بوی زلف یار دی شد خانه ام رشک تب وندر حساب بوسه اش صد بار افتادم غلت

مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن
خوانی تو در بحر رجز پروانه ها خفاش بت

انگلیسی	پارسی	عربی
Moth	پروانه	فَرَاشه
Bat	شپره، خُوئُوَز، بیواز	خفاش

بر اَمْبِرِیس ابهام تَمّ تابوت کافین قبر تَوْم
قالی است کَوِیْت گِرد دَسْت چون بوریا گردید مَت

انگلیسی	پارسی	عربی
Embarace	بَر، آغوش، بَغْل	
Thumb	انگشت، سُرْگ	ابهام
Coffin	کاهو کب، کاهو	تابوت، جنازه
Tomb	گور	قبر، جَدَف، جَدَث
Carpet	شادوَرْد	قالی
Dust	گِرد	غبار، عَجاج، قَتره
Mat	بوریا، بَلاج	باری

خوان اقربا را کیندردِ آن کیندِ دان نامهربان
ویکتیم چو قربانی بود آیل است روغن چرب فِت

انگلیسی	پارسی	عربی
Kindred	خویشاوند	اَقربا
Unkind	نامهربان	
Victim	بَرخی، گریان	قربانی، ذبیحه
Oil	روغن	سَمْن، اَثر
Fat	چَرَب	وَسَم، وَضَر

وادی ولی چون قلّه دیدنج ینوع فان تین هیل تلّ
سِرپنّت مار و خصم فو استینگ نیش و پشه فت

انگلیسی	پارسی	عربی
Valley	خشک رود، فرغر	وادی
Ridge	سرکوه، چگاد	قلّه، قنّه، شمراخ
Fountain	چشمه	عین، ینبوع
Hill	تپه	تلّ
Serpent	مار، خالم	حیّه، حنّش، آین
Foe	دشمن	خصم
Sting	نیش	ابرّه
gnat	پشه	خמוש

پان یورد دشنه شَرپ تیز وین اسلحه گُند است دَل
آنبار مگزین توده هیپ دُتب است فیل و موش رت

انگلیسی	پارسی	عربی
Poniard	دشنه	خنجر
Sharp	تیز، تند	حدید، مُدَرَب
Weapon	جانه	اسلحه، مؤنسات
Dull	گُند	کلیل، فلّ، گهام
Magazine	جاش	آنبار
Heap	توده، ورزه	
Tail	دُتب، دُم	دُتب
Rat	موش، مُرز	فرنب، فوئسقه، فآر، جَرَد

اسپایل غارت جرم گیلت اوتلینج منت قرعه لات
پس نرم بارش شور دان هموار ایون با فیلت

انگلیسی	پارسی	عربی
Spoil	تاراج، تاخت	غارت، نهب
Guilt	گناه	جرم، تقصیر
Oblige	نیایش، هن	منت
Lot	پشک	قرعه
Shower	بارش نرم، ارکاک	هاطل، طل
Even, flat	هموار	مسطح

اسپون قاشق چنگال فارک چون هوست آمد میزبان
خوانی ضیافت بنگویت کیس بوسه و شایسته پت

انگلیسی	پارسی	عربی
Spoon	قاشق	
Fork	چنگال	
Host	میزبان	مضيف
Banquet	مهمانی، جشن	ضيافت، مأدبه، ولیمه
Kiss	بوسه، ماچ، شفتالود	قبله
Pat	شایسته، سزاوار، اندرخور	جدیر، حرّی، لایق، قمین

هَرُوت آهوی نر ماده رُو رَم قوچ خوانی میش ایو
بیچ آمده چون ماده سگ حجر است منو و گربه کت

انگلیسی	پارسی	عربی
Hart	آهوی نر	ظبی
Roe	آهوی ماده	ظبیه
Ram	قوچ	کَبش
Ewe	میش	ضان
Bitch	ماده سگ	کَلَبه
Mare	مادیان	حجر، رَمَک
Cat	گربه، میلی	قَط، خَیْطَل

بیدار اَوینک و بذر سید رؤیا دریم و غنچه بُد
بیمار سیک حُمی فیور چون قال و قیل یاوه چَت

انگلیسی	پارسی	عربی
awake	بیدار	سَهْران، یَقْظان
seed	تخم	بَذَر
Dream	گوشاسب، تیناب	رُویا
Bud	غنچه، بوژنه	بُرْعوم
Sick	بیمار، رنجور، آفگار	مَرِیض، مُذْتَف
Fever	تب	حُمی، اُمُّ مِلْدَم
Chat	سخنان یاوه، دهلیزی	قال و قیل، هُجَر

شلوار باشد پَنْتَلُون مخلاة بَگ سنجاق پین
یک قسم باشد از کلاه کو را همی گویند هَت

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Pantaloen	شلوار، رانین	سراویل، رآنان
Bag	توبره	مخلاة
Pin	سنجاق	
Hat	کلاه	

بنوشت رُوُت آویخت هَنگ پوشید وُتر بگرفت توک
بفروخت سوُلد برخاست رُوُز بدرید تُوُر بنشست سَت

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Wrote	بنوشت	کَتَبَ
Hung	آویخت	سَدَلَ
Wore	پوشید	لَبَسَ
Took	بگرفت	أَخَذَ
Sold	بفروخت	بَاعَ
Rose	برخاست	قَامَ
Tore	بدرید	خَرَقَ، مَرَقَ
Sat	بنشست	جَلَسَ، قَعَدَ

کَلَّ است آل و بعض سَم هیچ است اِنی و سُو چنین
اینهاست دیز آنهاست دُوُز اینست دیس آنست دَت

عربی	پارسی	انگلیسی
کُل، جمیع	همه	All
بعض	پاره	Some
معدوم، لا شیء	هیچ، هیش	Any
کذا	چنین	So
هؤلاء	اینها	These
اولئک	آنها، اوشان	Those
هذا، هذه	این	This
ذاک، ذلک	آن	That

تَبَّا چه فی اهلاً چه هیل خاموش هس آخ است پیش
اسفل بیلُو تخمین آبوت فی و لدی گردید ات

عربی	پارسی	انگلیسی
تَبَّا	نفرین	Fie
اهلاً، طوبی، مَرَحَباً	آفرین، آباد، انوشه	Hail
مه، اَكْنَفْ	خاموش	Hush
أف	آخ	Pish
أَسْفَل	پایین	Below
تخمین	انگاره	About
فی، لَدَى	در، اندر، نَزْد مَنْ	At

آیا هُوَ دَرِ مِی مرا هر چند دُو دایم اَوَرُ
 دَس همچین و بس اِنْف اَنجا دِیدَر اَنجا ماذا هُوَت

عربی	پارسی	انگلیسی
هَل	آیا	Whether
لی	مرا	Me
ولو	هر چند	Though
دائم، مُدام	همیشه، همواره، نوتاش	ever
هكذا	همچنین	Thus
کفی، حَسْبُ	بس	Enough
هنا	آنجا	Thither
ماذا	چه چیز است، چیست	What

فی بحر الرمل

دل و دین عشق توام داده به باد نیست جز وصل توام هیچ مراد
 فعلاتن فعلاتن فعلات از رمل باشدم این قطعه به یاد

استیودنِت شناسی شاگرد
 تیوَتَر را و تیچَر را استاد

عربی	پارسی	انگلیسی
تلمِیذ	شاگرد، میلاو	Student
معلم، مربی	استاد	Tutor, Teacher

گفت اِکسِنْتِ مران قوْتِ صوت
حرکت را سَلَبِلِ نام نهاد

انگلیسی

Accent

Syllable

پارسی

عربی

قوْتِ صوت

حرکت

ساوَرین پادشه و نَوْبِلِ نجیب
هست دِیْسِنْتِ و آریجین چه؟ نژاد

انگلیسی

Sovereign

Noble

Descent, Origin

پارسی

پادشه، شهریار

گوهری

نژاد، گوهر

عربی

مَلِک، کَسری

نجیب

أَصْل، نَسَب

قِیْرَنی ظلم و چو ظالم قِیْرَنْتِ
دادگر جَسْت بود جَسْتِیس داد

انگلیسی

Tyranny

Tyrant

Just

Justice

پارسی

ستم، مُسْتَه

ستمگر

دادگر

داد

عربی

ظلم، ضَمیم، جَوْر

ظالم

عادل

عدل، انصاف

آؤریس است و میزَر بخل و بخیل
لیبرلٹی لیبرل جود و جواد

انگلیسی	پارسی	عربی
Avarice		بُخل
Miser	سیه کاسه، رُفت	بخیل
Liberality	بخشش	جود
Liberal	جوانمرد، راد	جواد، سَمَح

کِری ای تَر شمری خالق و پینل
چون کِری چُوزس بمعنی عباد

انگلیسی	پارسی	عربی
Creator	آفریننده جهان	خلقِ دهر، باری نفوس
People, Creatures	بندگان، آفریدگان	عباد، خلق، وری، آنام

نیشن امت چو آپاسِل و خشور
ایز راحت لیبرلِتیِ آزاد

انگلیسی	پارسی	عربی
Nation	پُروشان، هاوُش	أَمَت
Apostle	وُخشور	نبی، رسول
Ease	آسوده	راحت
Liberated	آزاد	حُر، مطلق العنان

وُوند زخم است و پلستر مرهم
پین درد است و گِرُون ناله و داد

انگلیسی	پارسی	عربی
Wound	زخم، ریش، و آلا نه	جَراحت، قَرَح
Plaster	مَلغم	ضَماد، مرهم
Pain	درد	وَجَع، الم
Groan	ناله، داد	آنین، عَویل

پیکچیز نقش و چو پین تر نقاش
صید چنِس است چو هَنتر صیاد

انگلیسی	پارسی	عربی
Picture	نگار	نقش
Painter	نگارگر	نقّاش
Chase	نخجیر، شکار	صید، قَنص
Hunter	نخجیرگر	صیاد، قَناص

این رُباط است و کَرَفَت است رواج
نات کَرَفَت است به معنی کساد

انگلیسی	پارسی	عربی
Inn	غوشاد، کاروانسرا	رُباط، خان
Current	روا	رواج، نفاق
Not current	مَنَدَك	کساد

شَیپْ قالب بود و صاف کَلیر
اَرچ طاق است و پیلرُ هست عماد

عربی	پارسی	انگلیسی
قالب	اندازه	Shape
صاف	روشن، پالوده	Clear
طاق		Arch
عماد، اُسْطُوَانَه	اُسْتَن، سْتُون، پاغَر	Pillar

شیت چادر شب و کَرْتین پرده
اِسْتِرانگ است قوی سایل چه لاد

عربی	پارسی	انگلیسی
مَحْبَس، مَقْرَم	چادر شب، بستر آهنگ	Sheet
حِذَر، سِدَل، سِتر	پرده، شادروان	Curtain
قوی	زورمند	Strong
تراب، بَری، عَفَاءُ	لاد، خاک، پَلَم	Soil

ولچِیور کرکس و قو هست سُوآن
دَکْ چو مرغابی و کَیْت آمده خاد

عربی	پارسی	انگلیسی
نَسْر، قَشْعَم	کَرکَس	vulture
	قو	Swan
بَط، اَوَر	مرغابی	Duck
	خاد، غلیواژ	Kite

دَوُ خمیر است فلاو است چو آرد
راند پیرامن و تاپ است چکاد

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Dough		خمیر، عجین
Flour	آرد، پست	دقیق
Round	پیرامن، گرداگرد	
Top	چکاد، کله کوه	قله

سایز اندازه و آلوئز مدام
فاین نیکو بود و هِلپ امداد

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Size	اندازه	قواره
Always	همیشه، جاوید، جاودان	مدام، دایم
Fine	نیکو	جَمیل، حَسَن
Help	یاری کردن	امداد

بنت پیچید و چو رتنگ است فشرد
کنیم چون آمد و استَد استاد

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Bent	پیچید	لَف
Wrung	فشرد، آفشرد	عَصَرَ
Came	آمد	جاء
Stood	استاد، ستاد	قام

لست نایت است چه دوش و لیدی
خانم و لَد پسر و لِئو بزاد

انگلیسی

Last night

Lady

Lad

Bare

پارسی

دوش، شب پیش، دوشینه

خانم، بی بی

پسر

بزاد

عربی

اللَّيْلَة، بارحة

سَيِّدَة، خاتون

ابن

وَلَدَت

فی بحر المجتث

بنوش باده یاقوتی از کف جانان که ساعتی برهاند تو را زرنج جهان
مفاعِلن فَعَلاتن مفاعِلن فَعَلات ز بحر مجتث این قطعه را کنیم بیان

مینینگ معنی پَنپَر کاغذ حروف لِتَرَس
قلمتراش چو پَن قَنف و قَیل دان سوهان

انگلیسی

Meaning

Paper

Letters

Pen-knife

File

پارسی

خواستَه

کاغذ

قلمتراش

سُوهان

عربی

معنی

کاغذ، قِطاس

حروف

الماس

مِبْرَد، مِسْحَل

حکایت استوری و چو هیستری تاریخ
لغت چو دیکشن آری لن گویج هست لسان

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Story	افسانه	حکایت، قصه
History	ماه روزه، باستان	تاریخ
Dictionary	فرهنگ، فرهنگ	لغت
Language	زبان	لسان

فروت میوه و میز است یتیل کرسی چیر
فارین غریبه شمر گست را بگو مهمان

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Fruit	میوه، شایه	فاکهة
Table	میز	
Chair		کرسی
Foreign	بی شهر، بیو آره	غریب، غریب
Guest	مهمان	ضیف، نزیل

نَت و اَمَنَد تو با هِنِزِل پِم کِرَن نَت را
شمار گردو و بادام و فندق و رَمَن

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
nut	گردو، گوز، گردکان	جَوَز
Almond	بادام	کُوژ
Hazel	گلوژ	فندق
Pomegranate	انار	رُمَن

کافی است قهوه و مِلک است شیر و یَسِن جام
سَاسَر چو نعلبکی گشته کَمپ بود فنجان

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Coffee	بَن	قهوه
Milk	شیر	لَبَن
Basin	جام، آبخوری	جام
Saucer	نعلبکی	.
Cup	پَنگان	فَنجان

گَریس چربی و لحم است میت و شحم تَلَو
لَحْم است بره و رَا خام و تَوست مَر بریان

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Grease	چربی	دُسوَمَت
Meat	گوشت، خَوَا	لَحْم
Tallow	پیه	شَحْم، نَی
Lamb	بره	حَمَل، بَرَق
Raw	خام	نَی، اَنیض
Toast	بریان	شَوی، خَمَطُ

مَعْدَل اِیکوی ناکشَل بود چو میلکی وی
مَجَرَه باشد و در فارسی است کاهکشان

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Equinoctial		مَعْدَل
Milky way	کاهکشان، آسمان درّه، کاهنگان	مَجَرَه

شَناس دایره سِر کَل چو کام پِیس پرگار
شمار مرکز سِیتَر چو هیدَل است میان

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Circle	چنبره	دایره
Compasses	پرگار، پرگال	فرجاد، دوازَه
Centre	نقطه گل	مرکز
Middle	میان	وَسَط

دِت است وام دِتِر وام دار بِیْتِر تلخ
مِیوت خامش و سَوُنْد است صوت و سائِن نشان

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Debt	وام	دَین، قَرْض
Debtor	وام دار، نیشک	مدیون، مقروض
Bitter	تلخ	مُرُّ
Mute	خامش، خاموش	ساکت، صامت
Sound	آواز	صوت
Sign	نشان	علامت

آشیز رماد و رایل حضرت و مقصّ سیزَرز
چو سیف امن بود سوط لَش پَلِیس مکان

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Ashes	خاکستر	رماد
Royal	شَت	حضرت
Scissors	دو کارد، قیچی، ناخن بُرا	مَقَصّ، مقراض
Safe	آیَمَن	أَمَن
Lash	تازیانه، تازانه	سَوَط، جَلَدَه
Place	جای، گاژ، وَخَر	مکان، محل، مَعان

بکوی نسیبِ همسایه اِیَر را وارث
چنانچه وانگ غلط فارِگِت است مر نسیان

انگلیسی

Neighbour

Heir

Wrong

Forget

پارسی

همسایه، همسرایه

فراموشی

عربی

جَار

وارث

عَلَط، غَلَت

نسیان، سَهو

خیال فَنسی و ثاث است فکر و میند خرد
کُوسِ شَن سؤال و پُرُوف چه برهان

انگلیسی

Fancy

Thought

Mind

Question

Proof

پارسی

اندیشه، بند

سگال

خَرَد، فرهنگ

پرسش

نَخْشَه

عربی

خیال

فکر

عقل

سؤال

برهان، حُجَّت، دلیل

کِلَاث هست چه ماهوت اطلس است سَتین
چنانچه سیلک بریشم بود لنین کتان

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Cloth	ماهوت	
Stain	دیا	اطلس
Silk	بریشم، ابریشم، کز	ابریشم، دِمَقْس
Linen	کت	کتان

تو قیر راشمری پیچ هم بمفرد و جمع
چنانچه دیر بود هم غزال و هم غزلان

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Pitch	کَزَف	قیر
Deer	آهو، آهوان	غزال، غَزَلان

بَلَنُوذ است چو معشوق عاشق است لَوَز
گی است آدم عَیاش چیلدِرِن صَبیان

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Beloved	جانان، تاز	معشوق
Lover	غاش، خاش	عاشق
Gay	خوشگذران	عَیاش
Children	کودکان	صَبیان

سیمیت قین و چو کَرپَن تر آمده نجار
هَمَر چو پتک بود آنویل است مرسدان

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Smith	آهنگر، نهامین	قین، حداد، هَبَرَقِی
Carpenter	درودگر	نَجَّار، قَتِیق
Hammer	پتک، خالیسک	فَطِیس، مَطَرَقَه
Anvil	سندان	عِلَاة

گران بهاست پوی شس زبرجد است ثَوَیَز
جِم است جمله جواهر کارل بود مرجان

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Precious	گران بها، بهاور	ثَمِین
Topaz		زَبَرَجَد
Gem	بچه خور	جواهر
Coral	کافه، بسد	مرجان

وَدَر هوا و عناصر شمر همی اِلِیْمَنَتِیس
مغاره کِنُوشناسی و بیست را حیوان

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Weather	پناد، نیوار، نوَدَه	هوا، جو، سکاک
Element	آخشیجان، دشمیر	عناصر
Cave	شکفت، گاباره، گویه	مغاره، کُهف
Beast	جاندار	حیوان

شراع سَیْل و سفینه است شِیپ و مَسْت دَگَل
واپُوز بخار و زَبَد فُوم چون فِلْد طوفان

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Sail	بادبان	شِراع، قلع
Ship	کشتی	سفینه، جارِیه، خَلِیه
Mast	دَگَل، تیر	دَقَل
Vapour	نِزَم، خُرم	بُخار
Foam	کف	زَبَد
Flood	توفان، تیر	طوفان

فرات یوْفِرَتِس نیل نَیل و شط تیْگْرِیس
کنار رود بود بَنک و سُورِس مَنع آن

<u>انگلیسی</u>	<u>پارسی</u>	<u>عربی</u>
Euphrate	فالادرود	فرات
Nile		نیل
Tigris	اروند	شط، دجله
Bank	کناررود، لب وادی	شَفَا جَرُف
Source	سرچشمه	مَنع

شمار وُؤم رحم کلّیتین را کیدنیز
چنانچه ساعد ویست است بُون را استخوان

انگلیسی

Womb

Kidney

Bone

پارسی

بوهمان، زه‌دان، بوگان

گرده

سرخوان، اسنخوان

عربی

رَحِم

کَلِیتین

ساعد، ذراع

چو اک سیپکت بود انتظار و تیر سرشک
چراغ لَمپ و اکوُزی‌شن است مر بهتان

انگلیسی

Expect

Tear

Lamp

Accusation

پارسی

پُوس، بَرَمَر، بَرَمو

اشک، سِرِشک

چراغ

عربی

انتظار

دَمْع، عَبْرَه

سراج، مصباح، نیراس

بهتان، تهمت

فِلاک و هِرْد گله ممجو کتل ستور
چنانچه کشت فیلد چون شپارد شبان

انگلیسی

Flock-Herd

Cattle

Field

Shepherd

پارسی

گله

سُتور، چارپایان

کشت

شبان، رامیار

عربی

قَطِيع

أَنْعَام

زَّرْع

رَاعِي

جَکَب چو حضرت یعقوب و یوسف است جُوسِف
چنانچه آیَزَک اسحق و چون کَنَن کنعان

انگلیسی

Jacob

Joseph

Isaac

Canaan

پارسیعربی

یعقوب

یوسف

اسحق

کنعان

حبش ابی سیننه سیویه است مر شامات
پُرُوشِیه چو پروس است و پرُوشِیه ایران

انگلیسی

Abyssinia

Syria

Prussia

Persia

پارسیعربی

حَبَش، حَبْشه

هاماوران

شام، فلسطین

پروس

ایران

عجم

بسال شصت و نه از بعد یکهزار و دویست	بروز شنبه بیست و شش از مه شعبان
بروز چارم از ماه جون که سال حساب	ثلث و خمیس بیش از هزار و هشتصد دان
که بود زهره و خورشید و تیر در جوزا	دو نحس با مه در کاو و مشتری بکمان
که روز شانزدهم بود از مه خرداد	تمام گردید این شعرهای نغز روان

چنین گوید بنده ذلیل المحتاج الی ربّه الجلیل قلیل الخط کثیر الجهد فرهاد بن ولیعهد طاب ثراه که معنی بعضی لغات که در عربی و فارسی معین نشده است چنان نیست که آن لغت وضع نشده باشد و عدم وجدان دلیل عدم وجود نیست بلکه در حین تألیف و تصنیف در نظر نبود که تحریر شود و مستدعی از اخوان صفا و خلّان وفا چنانست که گر بیابند در تحت همان شعر بنگارند و مرا بخوبی یاد نمایند.

والسلام. خیر ختام

روز چهارشنبه بیستم شهر ربیع الاول
سنه ۱۲۸۱ هجری تحریر او تمام شد.

۲۴ August ۱۸۶۴

فرهنگ الفبایی واژه های فارسی

Lightning	آذرگشسب	«آ»	
September	آذرماه	Law	آئین
Flour	آرد	Looking glass	آئینه
Hope	آرزو	Water	آب
Yes	آری	Hale	آباد
Avidity	آز	August	آبان ماه
Liberated	آزاد	Isle	آبجون
Free	آزاد	Basssin	آبخوری
Salmon	آزادماهی	Caspian sea	آبِ سِگون
Injure	آزار	Quicksilver	آبِک
Punishment	آزار	Tank	آبگیر
Hurt	آزرد	Glass	آبگینه
Shame	آزرمگین [آزرم]	Diamond	آبگینه
Rainbow	آزفنداک	Semen	آبمرد، آبِ پشت که بچه ازو بود
Easy	آسان	Quince	آبی
Threshold	آستانه	Blue	[آبی]
Sleeve	آستین	Fire	آتش
Heaven	آسمان	Pish	آخ
Milkyway	آسمان درّه	Element	آخشیجان
Tranquil	آسوده	Isle	آداک
Ease	آسوده	Friday	آدینه
Mill	آسیا	Fire	آذر

I was very old	یعنی: من بودم پیر آنگاه. (آی واز وری آلد ذن)	Miller	آسیابان
They	آنها	Peace	آشتی
Those	آنها	Perplexed	آشفته
Sound	آواز	Open	آشکار
Hung	آویخت	Nest	آشیان
Hang	آویز	Nest	آشیانه
Iron	آهن	Egg	آشینه
Smith	آهنگر	Commencement	آغاز
Antelope	آهو	Embrace	آغوش
Fault	آهو	People, Creature	آفریدگان
Deer	آهو	Hail	آفرین
Deer	آهولان	Creator	آفریننده جهان
Roe	آهوی ماده	Fault	آک
Hart	آهوی نر	Full	آگنج
Whether	آیا	Brick	آگور
Future	آینده	Came	آمد
	«الف»	Taught	آموخت
Cloud	ابر	Teach	آموز
Silk	ابریشم	Ink	آمه
Earth	آچاک	Copulation	آمیزه
Flag	اختر	Indeed	آمیغ
Spark	آخگر	That	آن
Ladder	آرچین	Moment	آن
February	اردیبهشت ماه	Thither	آنجا
Cheap	ارزان	Beyond	آنسو
Millet	ارزن	Then	آنگه

Citadel	اَرش	Cubic	اَرک [ارگ]
Crown	اَرکاک	Shower	اَفَسَر
Wrung	اَروند	Tigris	اَفشُرْد
dew	اَرُوَند	Ocean	اَفشک
Yell	اَره	Saw	اَفنان
Sentiment	اَریش	Clever	اَفکارِ دل
Cast	اَر	From	اَفکند
Sick	اَر	Of	اَفکار
Foetus	اَرآنگاه	Since	اَفگانه
Now	اَر برای	For	اکنون
If	اَریرا که	As	اگر
O	اَسب	Horse	اَلَا
Coquetry	اُستاد	Tutor, Teacher	اَلغَنجار
Cock	اُستاد	Stood	اَلفِیّه
Diamond	اُستخوان	Bone	[الماس]
Aloes	اُسْتَر	Mule	اَلوّا
Star	اُسْتَن	Pillar	اَلوّا
Eagle	اُسْتوار	Trusty	اَله
Pear	اُسْتَرُب	Lead	اَمْرود
Today	اُسفندماه	December	امروز
Angle	اُشتر	Camel	اَمشاسپند
Hope	اُشک	Tear	امید
Pomegranate	اُفتاد	Fell	اَنار
Like	اُفزار	Pulpit	اَنباز
Tongs	اُفزون	Much	اَثیر
Conclusion	اُفزونتر	More	اَنجام
Fig	اُفسانه	Story	اَنجیر

Cousin	اولاد عمو، اولاد عمه	Shape	اندازه
	اولاد خال و اولاد خاله	Size	اندازه
He	اوی	In	آندر
Devil	افرمن	At	اندر
O	آی	Pat	اندرخور
Behold	آندر	Preacher	اندرزگوی
Persia	ایران	Grief	اندوه
God	ایزد	Sorrowful	اندوهگین
Believer	ایزد گشنسب	Fancy	اندیشه
They	ایشان	Danger	اندیشه ناک
Safe	آیمن	About	انگاره
Such	ایمه	Honey	انگبین، شهد
This	این	Coal	انگشت
Hear	اینجا	Thumb	انگشت سترگ
Behold	اینک	Grape	انگور
These	اینها	Hail	انوشه
	«ب»	He	او
With	با	Uncle	آودر
Father	باب	Span	آودس
Road	باخ	Fist	آور
West	باختر	Deceit	اوژند
Wind	باد	Throne	اورنگ
Almond	بادام	Trusty	اوستان
Sleeve	بادبان	They	اوشان
Sail	بادبان	Those	اوشان
Pear	بازرنگ	Room	اوطاق
Wine	باده	Nephew	اولاد برادر و اولاد خواهر

East	بَئو	Vessel	باردان
Rice	بِج	Shower	بارشِ نرم
Goat	بُج	Again	باز
Search	بجوی	Hawk	باز
Baby	بچه	Market	بازار
Cub	بچه خرس	Reproof	بازخواست
Gem	بچه خور	Merchant	بازرگان
Foetus	بچه در شکم	Ancient	باستان
Cub	بچه روباه	History	باستان
Gather	بچین	Probable	باشد که
Thunder	بُختوه	Garden	باغ
Castle	بخش	Danger	باک
Liberality	بخشش	Wing	بال
Pardon	بخشش	Virgin	بالست
Lightning	بُخنوه	Cushion, Pillow	بالش
Bad	بَد	Cushion, Pillow	بالین
Because	بدرستیکه	Morning	بام
Tore	بدرید	Dawn	بام واپسین
Span	بِدست	Belief	باور
Enemy	بدسگال	Certain	باور
Wickedness	بدی	Ought	باید
Embrace	بَر	Torture	بایک
Over	بِر	Tiger	بیر
Persuasion	برآغالیدن	Cut	بیرید
Neuter	برابر	Shut	بِپَند
Uncle	برادر پدر	Sift	بیز

Often	بِسا	Guitar	بَرِیَط
Grind	بِسا	Jupiter	بَرِجیس
Make	بِسا	Rose	بَرِخاست
Bed	بِشتر	Victim	بَرِخی
Sheet	بِستر آهنگ	Snow	بَرِف
Quilt	بِستر آهنگ	Leaf	بَرِگ
Coral	بِشد	Autumn	بَرِگزیزان
Weight	بِسنج	Choice	بَرِگزیدن
Much	بِسیار	Expect	بَرِمر
Plate	بِشقاب	Expect	بَرِمو
Break	بِشکن	Young	بَرِنا
hear	بِشنو	Rice	بَرِنج
Heard	بِشنید	Jupiter	بَرِو
Wash	بِشوی	Hopeful	بَرِومند
Embrace	بِغَل	Aries	بَرِه
Sold	بِفروخت	Lamb	بَرِه
Light	بِفروز	Halo	بَرِهون
Sell	بِفروش	Soap	بَرِهوه
Draw	بِکش	Toast	بَرِیان
Let	بِگذار	Pour	بَرِیز
Took	بِگرفت	Silk	بَرِیشم
Run	بِگریز	Goat	بَرِز
Select	بِگزین	Bare	بَرِزاد
Wine	بِگماز	Great, Large	بَرِزگ
Tell	بِگو	Key	بَرِنگ
Say	بِگوی	Sin	بَرِه
Take	بِگیر	Enough	بِس

Owl	بوم	Blackhead	بُلْ
Womb	بوهمان	Mat	بَلَاچ
Quince	بِه	Stork	بَلارِج
Spring	بهار	Sword	بَلارِک
Spring	بِهامین	High	بلند
Pretence	بِهانه	Lick	بلیس
Precious	بِهاور	Coffee	بِن
Mars	بِهرام	Sparrow	بِنجشک
Ruby	بِهَرمان	Fancy	بند
Ruby	بِهَرمن	Lock	بند
Part	بِهره	Port	بندر
Paradise	بِهشت	People, creatures	بندگان
Blessed	بِهشتی	Slave	بنده
November	بِهمن ماه	Sat	بنشست
Shun	بِه یک سو شدن	Drink	بِنوش
come	بِیا	Wrote	بنوشت
Desert	بِیاپان	Write	بنویس
Bring	بِیار	Haste	بنیز
Lady	بِی بی	Never	بنیز
Root	بِیخ	Smell	بو
Awake	بِیدار	Mat	بوریا
Twenty ۲۰	بِیست	Bud	بوژته
More	بِیشتر	Kiss	بوسه
Impudent	بِی شرم	Sleep	بوشاسب
Impudence	بِی شرمی	Owl	بوف
Foreign	بِی شهر	Perhaps	بُوکئ
Spear	بِیغال	Womb	بوگان

Wing	پر	Spade	بیل
Full	پُر	Dread	بیم
Cue	پرخیده	Fear	بیم
Curtain	پرده	Ill	بیمار
Worship	پرستش	Sick	بیمار
Question	پریش	Foreign	بیوآره
Compasses	پرگار	Bat	بیواز
Compasses	پرگال	«پ»	
Dread	پروا	Shooe	پا افزار
Moth	پروانه	Sovereign	پادشه
Prussia	پروس	Some	پاره
Nation	پروشان	Bribe	پاره
Sieve	پرویزَن	Gulf	پاره از دریا
Fairy	پری	Answer	پاسخ
Fear	پریشانی	Pillar	پاغر
Doctor	پزشک	Clean	پاک
Then	پس	Clean	پاکیزه
Drink Then	درینک دُن یعنی:	Clear	پالوده
	بنوش پس.	Fifteen ۱۵	پانزده
After	پس	Torture	پاهک
Low	پست	Below	پابین
Flour	پست	Hammer	پتک
Lad	پسر	Broad	پخش
Son	پسر	Refuse	پخشا
Behind	پشت سر	Father	پدر
Lot	پشک	Parents	پدر و مادر
Wool	پشم	Open	پدیدار

Onion	پیاز	Mosquito	پشه
Bent	پیچید	Sad	پشیمان
Old	پیر	Stair	پَنگنه
Round	پیرائمن	Dawn	پگاه
Shirt	پیراهن	Soil	پَلَم
Oldness	پیری	Leopard	پلنگ
Before	پیش	Stair	پَله
Dawn	پیش از صبح	Dirty	پلید
Forehead	پیشانی	Weather	پناد
Servant	پیشکار	Cotton	پنبه
Art	پیشه	Five ۵	پنج
Prophet	پیغمبر	Fifty ۵۰	پنجاه
War	پیکار	Tuesday	پنج شنبه
Body	پیکر	Talon	پنجه
Elephant	پیل	Paw	پنجه
Treaty	پیمان	Doubt	پنداشت
Darning	پینه	Cup	پنگان
Expect	پئوس	Secret	پنهان
Joint	پیوسته	Cheese	پنیر
Bride	پژوگ	Treasure	پُوتَه
Wedding	پژوگانی	Son	پُور
Tallow	پیه	Pretence	پوزش
To, Till	تا	Husk	پوست
		Wore	پوشید
Light	تاب	Money	پول
Summer	تابستان	Broad	پهن
Spoil	تاخت	Latitude	پهنا

Musket	تفنگ	Spoil	تاراج
Button	تکمه	Dark	تاریک
Hail	تگرگ	Beloved	تاز
Bitter	تلخ	Lash	تازانه
Supplication	تَلَّه	Fresh	تازه
Net	تله	New	تازه
Body	تن	Lash	تازیانه
Sharp	تند	Yet	تاکنون
Thunder	تندر	Fever	تب
Health	تندرستی	Ax	تبر
Tught	تنگ	Plate	تَبشی
Decanter, Bottle	تنگ می	Hill	تپ
You	[تو]	Throne	تخت شاهی
Rich	توانگر	Seed	تخم
Gun	توب، (توپ جنگی)	Egg	تخم مرغ
Bag	توبره	Pheasant	تَدَرُو
Mulberry	توت	Wet	تر
Parrot	توتک	Libra	ترازو
Heap	توده	Radish	ترَب
Ax	تور	Fear	ترس
Pleasant	تورنگ	Sour	ترش
Flood	توفان	Ditch	ترک
	تومن	Box	ترکش
Thou	[منسوخ شده]	Sap	تری
Empty	تهی	Hour	تَسُو
Jew, Large	تیداک	Thirsty	تشنه
Mercury	تیر	Hot	تَفَت

Banquet	جشن	Arrow	تیر
Owl	جغد	Flood	تیر
Wife	جفت	Autumn	تیر
Liver	جگر	Mast	تیر
Shooe	جُمشاک	Rainbow	تیرازه
Twins	جُنابه	Box	تیردان
War	جنگ	April	تیرماه
South	[جنوب]	Dark	تیره
Barley	جو	Sharp	تیز
Young	جوان	Sword	تیغ
Liberal	جوانمرد	Dream	تیناب
Youth	جوانی	«ج»	
Chicken	جوجه	Magazine	جاش
Palace	جَوْسَه	Net	جال
Stream	جوی	Compulation	جالش
World	جهان	Basin	جام
Jew, Large	جهود	Spirit, Soul	جان
Quicksilver	جیوه	Belle	جانان
	«ج»	Beloved	جانان
Tent	چادر	Beast	جاندار
Sheet	چادرشب	Weapon	جانَه
Four ۴	چار	Always	جاودان
Cattle	چارپایان	Always	جاوید
Rebeck	چارتار	Place	جای
Fourteen ۱۴	چارده	Yard	جَنان
Market	چارسو	Journey	جَرْمَزَه
Servant	چاکر	Except	جز

Four ۴	چهار	Jaw	چانه
Fourteen ۱۴	چهارده	Pit	چاه
Wednesday	چهارشنبه	Well	چاه
What	چه چیز است	Tea	چای
Fourty ۴۰	چهل	Teapot	چایدان
What	چیست	Left	چپ
China	چین	Why	چرا
	«خ»	Lamp	چراغ
To chew	خائیدن	Fat	چرب
Kite	خاد	Grease	چربی
Thron	خار	Heaven	چرخ
Woman	خاره	Dirty	چرکن
Stone	خاره	Fountain	چشمه
Apple	خاسپ	Beet [Beetroot]	چغندر
Lover	خاش	Top	چکاد
Earth	خاک	Boots	چکمه
Soil	خاک	Ridge	چگاد
Ashes	خاکستر	How	چگونه
Omelet [Omelette]	خاگینه	Meadow	چمن
Serpent	خالم	Circle	چنبه
Hammer	خالینک	How much	چند
Raw	خام	Harp	چنگ
Mute	خامش	Fork	چنگال
Mute	خاموش	Paw	چنگال
Hush	خاموش	So	چنین
Pen	خامه	Such	چنین
Lady	خانم	How	چون

Valley	خشک‌رود	House	خانه
Land	خشکی	Home	خانه
Laugh	خنده	Tank	خانی
Horse	خنگ	East	خاور
Minstrel	خنیاگر	Testicle	خایه
Temper	خو	God	خدا
Meat	خوا	Spark	خُدزَه
Sleep	خواب	King	خدیو
Mean	خواری	Ass	خَر
Isle	خواست	Cancer	خرچنگ
To want	خواستن	Crab, Lobster	خرچنگ
Wealth	خواسته	Mind	خَرَد
Meaning	خواستنه	Small	خَرَد
Food	خوالی	March	خرداد ماه
River	خوالی [بروزن عالی]	Cock	خرزه
Sister	خواهر	Cock	خَرزَه
Aunt	خواهر پدر	Bear	خرس
Inclination	خواهش	Tent	خرگاه
Good	خوب	Halo	خَرگَر
Pleased	خوب	Hare	خرگوش
Sun	خور	Vapour	خُرم
Food	خوردنی	Cock	خروس
Sun	خورشید	Cock	خُروه
Parhelion	[خورشید ساختگی]	To buy	خریدن
	نقطه‌ای گرد و درخشان	Autumn	خزان
	در هاله خورشید	King	خسرو
Pleasant	خوش	Dry	خشک

Daughter	دختر	Gay	خوشگذران
Girl	دختر	Beau	خوش منش
Grave	دخمه	Virgo	خوشه
Door	در	Hog	خوک
In	در	Blood	خون
At	در	Perspiration	خوی
Long	دراز	Kindred	خویشاوند
Longitude	درازا	Bat	خویوز
Tree	درخت	Cucumber	خیار
Disease	درد	Wave	خیزاب
Pain	درد	«د»	
Throes	دردزه	Life	دآد
Needle	دروژن	Eagle	دآلمن
True	درست	Justice	داد
Right	درست	Groan	داد
Hard	درشت	Just	دادگر
Flag	درفش	Medicine	دارو
Medicine	درمان	To have	داشتن
Perplexed	دروا	Net	دام
Gate	دروازه	Skirt	دامان
Peace	دروود	Skirt	دامن
Praise	دروود	Wise	دانا
Carpenter	دروودگر	Lentil	دانه
False	دروغ	Grain	دانه
Infidle	دروغ	School	دبستان
Poor	درویش	School	دبیرستان
Sea	دریا	Daughter	دخت

Dual	دو	Sea	دریاب
Twelve ۱۲	دوازده	Ocean	دریای بزرگ
Gemini	دو پیکر	Mediterranean	دریای سفید
Double	دو تا	Caspian sea	دریای مازندران
Smoke	دود	Alas	دریغ
Far	دور	Refuse	دریغ داشتن
Hell	دوزخ	Thief	دزد
Condemnd	دوزخی	Theft	دزدی
Friend	دوست	Art	دست رنج
Last night	دوش	Minister	دستور
Monday	دوشنبه	Pestle	دسته
Virgin	دوشیزه	Plain	دشت
Last night	دوشینه	Enemy	دشمن
Scissors	دو کارد	Enmity	دشمنی
Aquarius	دول	Element	دشمیر
Towthousand	دو هزار	Poniard	دشنه
Towhundred	دویست	Bride	دغد
Ten ۱۰	ده	Shop	دگان
Village	ده	Other	دگر
Mouth	دهان	Mast	دگل
Chat	دفلیزی	Heart	دل
Mouth	دقن	Breath	دم
Bit	دهنه	Tail	دُم
Satin	دیبا	Tail	دُتب
Ancient	دیرینه	Tusk	[دندان نیش]
Ditto	دیگر	Rib	دنده
October	دی ماه	Two ۲	دو

Ill	رنجور	Devil	دیو
Sick	رنجور	Wall	دیوار
Blood	رنگ	Leech	دیوچه
Bad	رنگ	Crown	دیهیم
Current	روا	«ر»	
Spirit, Soul	روان	Liberal	راد
Fox	روباه	Mystery	راز
Day	رُوج	Right	راست
River	رود	Right, true	راست
Day	رُوز	Plain	راغ
Age	روزگار	Minstrel	رامشگر
Whore	روسپی	Shepherd	رامیار
Clear	روشن	Pantaloons	رانین
Oil	روغن	Road	راه
Veil	روی‌بند	Robber	راهزن
Slave	رهی	Bed	رختخواب
Beau	ریدک	War	رزم
Rope	رسمان	Part	رَسَد
Wound	ریش	Bee	رَسْمُو
Sand	ریگ	Wrist	رَش'
Deceiver	ریمن'	Envy	رَشک
	«ز»	Zeal	رَشک
Venus	زاور	Jealous	رَشِکِن
Jupiter	زاوُس	Fibre	رگ
Language	زبان	Artery	رگ جهنده
Flame	زبانہ	Vein	رگ گردن
Blaze	زبانہ دود	Disease	رنج

Womb	زهدان	Above, Upon, Up	زَبر
Poison	زهر	Quilt	زَبرپوش
Zeal	زهر	Wound	زخم
Loss	زیان	Struck	زد
Beautiful	زیبا	Gold	زَر
Under, Down, Beneath	زیر	Partridge	زَرِچ
Clever	زیرک	Apricot	زردآلو
Saddle	زین	Arsenic	زَرَنیخ
	«ژ»	Bad	زشت
Deep	زُرف	Coal	زغال
	«س»	Miser	زُفت
Year	سال	Coal	زگال
Years	سالها	Lock	زُلف
Years	سالیان	Leech	زُکو
Shade, Shadow	سایه	Emerald	زمرد
Green	سبز	Winter	زمستان
Light	سبک	Ground	زمین
Jar	سَبو	Mud	زَمُو
Praise	سپاس	Feminine	زن
Army	سپاه	Woman	زَن
Shield	سپر	Womanly	زنانه
Spleen	سپُررز	Jewess	زَن جهود
Sky	سپهر	Bell	زَنگ
Stood	ستاد	Treaty	زَنهار
Star	ستاره	Soon	زود
Threshold	ستانه	Strong	زورمند
Bone	ستخوان	Part	زُون

Quail	سَمَانَه	Tyrant	ستم
Grape	سَمَنَه	Tyrant	ستمگر
Hoof	سَنَب	Cattle	سُتور
Pin	سنجاق	Pillar	سُتون
Anvil	سندان	Word	سخن
Stone	سنگ	Chat	سخنان یاوه
Millstone	سنگ آسیا	Difficult	سخن دشوار
Mason	سنگتراش	Hundred ۱۰۰	سد
Heavy	سنگین	Lead	سرب
Gain	سود	Source	سرچشمه
Neele	سوزن	Red	سرخ
Oath	سوگند	Cold	سرد
File	سُوهان	Tear	سِریشک
Three ۳	سه	Ridge	سِرکوه
Tuesday	سه شنبه	fate	سرنوشت
Thirty ۳۰	سی	Horn	سُرُو
Black	سیاه	Gabriel	سروش
Apple	سیب	Rainbow	سرویه
Spit	سیخ	Rainbow	سَریر
Garlic	سیر	Pat	سزاوار
Cloy	سیری	Hard	سفت
Thirteen ۱۳	سیزده	White	سفید
Slap	سیلی	Dog	سگ
Silver	سیم	Thought	سگال
Quicksilver	سیماب	Enmity	سگالش
Miser	سیه کاسه	Hoof	سُم
		Vessel	سُماری

Sun	شَر	«ش»	
Shy	شرمسار	Curtain	شادرِوان
Modest	شرمگن	Halo	شادوَرَد
Shy	شرمنده	Carpet	شادوَرَد
Colocynth	شَرَنگ	Joy	شادی
Lungs	شُش	Student	شاگرد
Six ۶	شش	Evening	شام
Peach	شفتالو	Sixteen ۱۶	شانزده
Kiss	شفتالود	Comb	شانه
Chase	شکار	King	شاه
Game	شکار	Herring	شاه‌ماهی
Sugar	شکر	Perhaps	شاید
Cave	شکفت	Pat	شایسته
Torture	شکنجه	Fruit	شایه
Turnip	شَلَم	Night	شب
Whore	شَلَف	Shepherd	شبان
Cunt	شَلَفِیه	Bat	شبی‌پره
Turnip	شَلَم	Last night	شب پیش
Pantaloon	شلوار	Morning	شبگیر
Leech	شَلوک	Aloes	شَب یار
You	شما	Louse	شپش
North	[شمال]	Royal	شَت
Tank	شَمَر	Haste	شتاب
Saturday	شنبه	Camel	شتر
Husband	شو	Ostrich	شترمرغ
Dirty	شوخی‌گن	Frost	شَجَن
Meteor	شوّه	Mountain	شخ

Frog	غوک	Possible	شونده
	«ف»	Husband	شوهر
Euphrates	فالارود	City	شهر
Over	فرا	Town	شهر خورد [کوچک]
In	فرا	Sovereign	شهریار
Wide	فراخ	June	شهریورماه
Bubble	فراسیاب	Light	شید
Forget	فراموشی	Lion	شیر
Believer	قربود	Leo	شیر
Plump, Fat	فربه	Milk	شیر
Bribe	فرخج	Sweet	شیرین
Angel	فرشته	Glass	شیشه
Chicken	فرغ		«ص»
Valley	فرغر	Hundred ۱۰۰	صد
January	فروردین ماه [اوایل]	Vowel	[صدادار]
	دی ماه تا اوایل بهمن ماه	«ط»	
Light	فروغ	Parrot	طوطی
Dictionary	فرهنج	«ع»	
Mind	فرهنگ	Tusk	[عاج]
Dictionary	فرهنگ	«غ»	
Yell	فریاد	Lover	غاش
Deceit	فریب	Fool	غتره
Deceiver	فریبنده	Whore	غر
Wrung	فشرد	Pimp	غلتبان
	«ق»	Kite	غلیواژ
Goose	قاز	Bud	غنچه
Spoon	قاشق	Inn	غوشاد

Milkyway	کاهنگان	Pimp	قُرُشاق
Coffin	کاهو	Trout	قزل آلا
Lettuce	کاهو	Penknife	قلمتراش
Coffin	کاهوکب	Swan	قو
Consumption	کاهیده	Ram	قوچ
Colocynth	کَبَسْت	Scissors	قیچی
Partridge	کَبْک	«ک»	
Blue	کبود	Marriage	کابین
Where	کجا	Knife	کارد
Bath	کَدُوخ	War	کارزار
Deaf	کَر	Past	کار گذشته
Margin	کراته	Inn	کاروانسرا
Shirt	کُرْتَه	Bowl	کاسه
Blandishment	کرشمه	Pasper	کاغذ
Rhinoceros	کُرْک	Bill	کاغذ زر
Vulture	کُرْکس	Coral	کافه
Rhinoceros	[کرگدن]	Man	کاک
Silk	کَز	Body	کابُد
Scorpion	کَزدم	Blackhead	کالیو
Pitch	کَزَف	Hopeful	کامیاب
Cunt	کُس	Mine	کان
Pearl	کَسپَرَج	Nest	کاوَرک
Field	کشت	Dispute	کاویدن
Ship	کشتی	Marriage	کاوین
Vessel	کشتی	Straw	کاه
Pimp	کَشْخاَن	Conssumption	کاهش
Thirsty	کَشَنه	Milkyway	کاهکشان

Bubble	کنون	Lust	کَشود
Now	کوپله	Monk	کشیش
Lock	کوپله	Foam	کف
Short	کوتاه	Hyena	کفتار
Small	کوچک	Shoos	کفش
Baby	کودک	Flea	[(کک)]
Boy	کودک	Village	کلاته
Child	کودک	Crew	کلاغ
Children	کودکان	Lock	کُلاه
Blind	کور	Cap	کلاه
Colocynth	کوست	Hat	کلاه
Palace	کوشک	Crane	کُنگ
Lettuce	کوک	Axe	کُنگ
Mountain	کوه	Clod	کُلوخ
Wave	کوهه	Vetch	کُلوک
Dessert	کویر	Top	کله کوه
Who	که	Ket	کلید
Old	کهن	Lock	کلیدان
Old	کهنه	Bow	کمان
When	کی	Sagittarius	کمان
Who	کی	Waist	کمر
Cock	کیر	Zodiac	کمر بند
Religion	کیش	Bank	کنار رود
Box	کیش	Margin	کناره
Law	کیش	Dull	کُند
Flea	کیک	Ditch	کُنده
Saturn	کیوان	Church	کَنِشت

Carrot	گرز	Age	کیهان
Mace	گرز	Where	کو
Heaven	گرزمان	«ک»	
Crown	گرزن	cave	گاباره
Hungry	گرسنه	Place	گاز
Eclipse	گرفت	Far	گانه
Wolf	گرگ	Taurus	گاو
Warm	گرم	Bull	گاو
Hot	گرم	Cow	گاوماده
Grief	گرم	Throne	گاه
Heat	گرما	Time	گاه
Bath	گرمابه	Word	گپ
Slave	گروگان	Poor	گدا
Inch	گره	Pardon	گذشت
Victim	گریان	Sow	گراز
Cry	گریه	Honour	گرامی داشتن
Yard	گز	Dear	گران
Select	گزین	Precious	گران بها
Bad	گشت	Puss	گربه
Laid	گسترده	Cat	گربه
Disjoint	گسسته	Dust	گرد
Wide	گشاد	Round	گرداگرد
Paradise	گشتا	Nut	گردکان
Male	گشن	Spit	گردنا
Mud	گل	Rose	گردنای
Rose	گل	Nut	گردو
Shirt	گلایه	Kidney	گرده

Pearl	گوهر	Vessel	کَلَبَت
Descent, Origin	گوهر	Hazel	گَلَوَز
Noble	گوهری	Flock, Herd	گله
Globe	گوی	Mason	گلیگر
Cave	گویه	Doubt	گمان
Herb	گیاه	Guilt	گناه
World	گیتی	Sin	گناه
	«ل»	Treasure	گنج
Bribe	لاج	Sparrow	گنجشک
Soil	لاد	Testicle	گند
Lean, Thin	لاغر	Sulphur	گندش
Dumb	لال	Wheat	گندم
Hole	لانه	Sin	گنه
Bank	لب وادی	Grave	گور
Linen	لن	Tomb	گور
Mace	لخت	Socks	گورَب
Flame	لخشه	Nut	گوز
Army	لشگر	Beetle	گوزد
Camp	لشگرگاه	Calf	گوساله
Bridle	لگام	Sheep	گوسپند
Stork	لگلک	Sheep	گوسفند
Plump, Fat	لنبه	Dream	گوشاسپ
Son	لند	Meat	گوشت
Lame	لنگ	Shell	گوش ماهی
Moon	لوخسن	Sulphur	گوکرد
moon	لوخن	Blackhead	گول
But	لیک	Dunce	گول

Lentil	مَرَجُمَك	Lemon	لیمو
Masculine	مَرْد	«م»	
Man	مَرْد	We	ما
May	مردادماه	Kiss	ماج
Rat	مُرَز	Mother	مادر
Hell	مَرَزْغان	Female	ماده
Mouse	مُرَزَن	Bitch	ماده سگ
Bird	مَرِغ	Mare	مادیان
Fowl	مَرِغ	Serpent	مار
Duck	مَرغابی	Asparagus	مارچوبه
Meadow	مَرغزار	Sieve	ماشو
Death	مَرِگ	Tongs	ماشه
Pearl	مروارید	Hen	ماکیان
Reward	مُزد	Rich	مالدار
Copper	مس	Mother	مام
Tyranny	مُسْتَه	Like	مانند
Ice	مُسَر	Mounth	ماه
Fist	مشت	Moon	ماه
Egypt	مِصْر	moon	ماه
Deep	مَغ	History	ماهروز
Barl	مَغز	Cloth	ماهوت
Unless	مَگَر اِیْنَك	Months	ماهها
Fly	مَگس	Pisces	ماهی
Pear	مَل	Months	ماهیان
Plaster	مَلْعَم	Bliss	مایه زندگانی
Vetch	مَلْکَن	Lest	مباد
Heart	مَنْ	Me	مرا

Pour	می ریز	I	من
Table	میز	Infidel	مُنْبِل
Host	میزبان	Bee	مُنَج
Make	می ساز	Not current	مَنْدَك
Ewe	میش	Temper	مَنْش
Cloud	میغ	Robber	مَنْگَل
Draw	می کش	Jaw	مَنَه
Shrimp, Prawn	میگو	Judge	موبد
Tell	می گوی	Eagle	مود
Student	میلاو	Ant	مور
Cat	میلی	Boots	موزه
Paradise	مینو	Rat	موش
Emerald	مینو	Mouse	موش
Fruit	میوه	Cry	مویه
	«ن»	Love	مهر
Blind	نابینا	Sun	مهر
Nail	ناخن	sun	مهر
Scissors	ناخن براد	July	مهرماه
Mosquito	نارذّه	Heavy	مَهْسِت
Orange	نارنگ	Guest	مهمان
Coquetry	ناز	Banquet	مهمانی
Knell	ناقوس مردن که در فوت	Wine	می
	سلاطین و امرا در کلسا نوازند	Come	می آی
Groan	نال	Middle	میان
Nae	نام	Waist	میان
Book	نامه	Through	میانه
Unkind	نامهربان	Shut	می بند

Saucer	نعلبکی	Bread	نان
Jew, Large	نفوک	Arrow	ناوک
Fie	نفرین	Hungry	ناهار
Centre	نقطه گل	Venus	ناهید
Beak	نک	Flute	نای
Good	نکو	War	نبرد
Picture	نگار	Game	نخبیر
Painter	نگارگر	Chase	نخبیر
Ring	نگین	Hunter	نخبیرگر
Sap	نم	Commencement	نخست
Prayer	نماز	Proof	نخشه
Faith	نمشته	Male	نر
Salt	نمک	Ladder	نردبان
Copulation	نیوئش	Soft	نرم
New	نو	Wave	نره
New	نو	Lean, Thin	نزار
Ever	نوتاش	At	نزد من
Weather	نوده	Near	نزدیک
Nineteen ۱۹	نوزده	Descent, Origin	نژاد
Sweet	نوشین	Vapour	نژم
Disappointed	نومید	Ground	نسکا
Desperation	نومیدی	Shade, Shadow	نش
Promise	نوید	Sign	نشان
City	نه	Ruin	نشت
Nine ۹	نه	Lancet	نشتر
Smith	نهامین	Impossible	نشونده
Secret	نهان	Pole	نشین

Quail	وَنَك	Temperate	نه گرم و نه سرد
Span	وَجَب	Supplication	نیاز
Sentence	وَجَر	Oblige	نیایش
Judge	وَجَرَنَگَر	Als	نیز
Place	وَجَر	Ditto	نیز
Apostle	وُخْشور	Spear	نیزه
Fire	وَدَاغ	Not	نیست
Bridal	وَرْدَك	Negative	نیست کردن
Castle	وَرْدَه	Sting	نیش
Heap	وَرَزَه	Lancet	نیشتر
Rope	وَرَس	Debtor	نیشک
Quail	وُشَم	Good	نیک
But	وَلِیک	Fine	نیکو
Vessel	وَد	Half	نیم
He	وِی	Midnight	نیمشب
Ruin	ویران	Cock	تیمور
	« ۵ »	Copulation	نیویش
Dumb	هاکره	« ۶ »	
Syria	هاماوران	And	وَ
Natio	هاوُش	Wound	وآلانه
Eighteen ۱۸	هجده	Word	وات
Right	هَدَه	Tell	واج
Ladder	هدینه	Certain	واخ
Every, Each	هَر	Debt	وام
Fear	هراس	Debtor	وامدار
Though	هرچند	Lentil	وانج
Floor	هر چه واگسترانند	Yell	وای

Watermelon	هندوانه	Both	هر دو
India	هندوستان	If	هرگاه
Time	هنگام	Never	هرگز
Yet	هنوز	Eight ۸	هشت
Sun	خور	Clever	هشیوار
Hope	هوس	Seven ۷	هفت
Genius	هوش	Week	هفته
Carrot	[هویج]	Seventeen ۱۷	هفده
Open	هویدا	Let	هل
Any	هیچ	Snow	هَلَناک
Judge	هیربد	Peach	هلو
Wood	هیزم	Ditto	هم
Any	هیش	Like	همال
Wood	هیمه	Thus	همچنین
Camel	هیون	Neighbour	همسایه
	«ی»	Neighbour	همسرایه
Or	یا	Twins	هم شکم
Lecture	یاددادن	Plural	همگان
Help	یاری کردن	Even, Flat	هموار
Eleven ۱۱	یازده	Ever	همواره
Feeling	یافتن و دریافت	Level	همواره
Ruby	یاکند	Every, Each	همه
Mortar	یانه	All	همه
Pestle	یاور	Always	همیشه
Ruin	یبات	Ever	همیشه
Ice	یخ	Oblige	هن
Frost	یخبندان	Road	هَنجار

Hail	یَخْجِه
Broth	خَنی
God	یزدان
Tusk	یَشْک
One ۱	بک
Once	یکبار
Ell	بک ذرع و بک چارک
Level	یکسان
Sunday	یکشنبه
Singular	یکی
Horse	بِگَران
Coat	یَلْمه
Panther	بوز
Saw	یُوسَه
Desert	یولاخ
Greece	یونان

فهرست الفبائی واژه های انگلیسی

A

وامثا ایّ برای وحدت است که
افاده معنی وحدت در کلام می کند.
مثلاً شیب A Sheep یعنی یک
گوسفند از جمله گوسفندها.

An

برای خفت تلفظ مرکبا می خوانند آن]
مثلاً آن ایگل An eagle (یک عقاب
از جمله عقبان)، An hour آن آوز
(یک ساعت از جمله ساعات) [هرگاه
اچ h ملفوظ باشد در آ صورت باز با ا
A استعمال می شود. نحو ا هُند A
hand (یک دست). هرگاه A داخل
شود بر اسم منوعتی که اول او حرف
عله داشته باشد یا اچ H غیر ملفوظه
باشد در آن صورت حرف ان N را به
او ختم کرده

About	انگاره	Ancient	باستان، دیرینه
Above	زَبر	And	وَ
Upon-Up	زَبر	Angel	فرشته، آمشاسپند
After	پَس	Answer	پاسخ
Again	باز	Ant	مور
Age	روزگار، کیهان	Antelope	آهو
Alas	افسوس، دریغ	Anvil	سندان
All	همه	Any	هیچ، هیش
Almond	بادام	Apostle	وُخشور
Aloes	آلوا، شَبّ یار	Apple	سیب، خاسپ
Also	نیز	Apricot	زردآلو
Always	همیشه جاوید، جاودان	April	تیرماه

Aquarius	دول	Barley	جو
Arise	برَه	Basin	جام، آبخوری
Army	لشگر، سپاه	Bat	شپره، خُوئُوژ، بیواز
Arrow	تیر، ناوک	Bath	گرمابه،
Arsenic	زَرَنیخ	Be	بودن
Art	پیشه، دَسْت رنج	Beak	نُک
Artery	رگ جهنده	Bear	خرس
As	ازیراکه	Beast	جاندار
Ashes	خاکستر	Beat	زدن، خوردن
Asparagus	مارچوبه	Beau	زیبا
Ass	خَر	Beautiful	ریدَک، خوش منش
At	دَر، اندر، نَزِدِ من	Beauty	زیبایی
August	خزان، برگریزان، تیر	Beau	ریدَک، خوش منش
Awake	بیدار	Beautiful	زیبا
Ax	تیر، تَوَر	Bee	منج، رَسْمو
Axe	کُلنگ کُلنگ	Beet	چغندر
	B	Beetroot	چغندر
Baby	بچه، کودک	Beetle	گوزَد
Bad	زشت، بدزنگ، گشت	Before	پیش
Bag	توبره	Behind	پُشت سر
Bank	کنار رود، لب وادی	Because	به درستیکه
Bank	مخزن	Bed	رختخواب، بستر
Banquet	مهمانی، جشن	Behold	اینک، آئندَر
Bare	یزاد	Belief	باور
Bark	مغر	Believer	فَرَبود، ایزد گَشَسب

Bell	زنگ	Breath	دم
Belle	جانان	Bribe	فَرخج، لاج، پاره
Beloved	جانان، تاز	Brick	آگور
Below	پایین	Bridal	وَرْدَك
Beneth	زیر	Bride	دُغد، پُیوگ
Bent	پیچید	Bridle	لگام
Beyond	آن سو	Bring	بیار
Bill	کاغذ زر	Bow	کمان
Bird	مرغ	Bowl	کاسه
Bit	دهنه	Box	تیردان، ترکش، کیش
Bitch	ماده سگ	Boy	کودک
Bitter	تلخ	Bread	نان
Black	سیاه	Broad	پهن، بخش
Blackhead	کالیو، بُل، گول	Broth	یخنی
Blandishment	کرشمه	Bubble	فراسیاب، کُوبَلَه
Blaze	زبانۀ دود	Bud	غنچه، بوژنه
Blessed	بهشتی	Bull	گاو
Blind	کور، نابینا	But	ولیک، لیک،
Bliss	مایۀ زندگانی	Button	تکمه
Blood	خون، رنگ	To buy	خریدن
Blue	کبود، [آبی]، نیلی	C	
Body	تن، کالبد، پیکر		
Bone	ستخوان، استخوان		
Break	بشکن		
		Calf	گوساله
		Certain	باور، واخ
		Chat	سخنان یاوه، دهلیزی

Chase	نخجیر، شکار	Cushion	بالش، بالین
Cheap	ارزان	Cut	برید
Cheese	پنیر	Cry	گریه، مویه
To chew	خائیدن	Cub	بچه خرس
Chicken	جوجه، قَرغ	Cub	بچه روباه
Child	کودک	Cubic	آرش
Children	کودکان	Cucumber	خیار
China	چین	Cue	پَرخیده
Choice	برگزیدن، انتخاب	Cunt	کُس، شَلْفیه
Church	کَنِشت	Cup	پنگان
Circle	چنبره	Current	روا، رایج
Citadel	اَرک [ارگ]	Curtain	پرده، شادروان
City	شهر، نَه	D	
Clean	پاک، پاکیزه	Danger	پاک، اندیشه ناک
Coral	کافه، بسد	Dark	تیره
Cotton	پنبه	Daughter	دختر
Cousin	اولاد عمو، اولاد عمه	Debt	وام
Cow	گاو ماده	Debtor	وام دار، نیشک
Crab	خرچنگ	Decanter	تَنگ می
Crane	کُلنگ	Deceit	فریب، اوژد
Creator	آفریننده جهان	Deceiver	فریبنده، ریمَن
Creatures	بندگان، آفریدگان	December	اسفند ماه
Crow	کلاغ	Deep	زرف، مَغ
Crow	دیهم، افسَر، گَرزن	Deer	آهو، آهوان

Descent	نژاد، گوهر	Dust	گرد
Desert	کویر، یولاخ، بیابان	Double	دوتا
Desperation	نومیدی	E	
Devil	اَهرمن، دیو	Each	هَر، هَمَه
Dew	شبنم، آفشک	Eagle	اَله، دَاَلَمَن، مود
Diamond	آبگینه [الماس]	Ewe	میش
Dictionary	فرهنگ، قَرَهَنج	Except	جز
Difficult	سخت دشوار	Expect	پُوس، بَرَمَر، بَرَمو
Ditto	نیز، هم، دیگر	F	
Doctor	پزشک	False	دروغ
Dog	سگ	Fairy	پَری
Door	در	Faith	نمشته
Doubt	گمان، پتداشت	Fancy	اندیشه، بند
Down	زیر	Far	دور، گالَه
Draw	می کش، بِکش	Fat	فربه، کنبه
Dread	بیم، پروا	Fat	چَرَب
Dream	گوشاسب، تیناب	Fate	سرنوشت
Drink	بنوش	Father	پدر، باب
Dry	خشک	Fault	آهو، آک
Dual	دو	Fear	بیم، هراس، ترس
Duck	مرغابی	Fig	آنجیر
Dull	کُند	File	سُوْهان
Dumb	لال، هاکره	Fell	افتاد
Dunce	گول	February	اردیبهشت ماه

Fear	پَریشانی، تَبْ	Forget	فراموشی
Feeling	یافتن و دریافت	Fork	چنگال
Female	ماده	Forty	چهل
Feminine	زن	Fox	روباه
Fever	تَب	Free	آزاد
Flag	دِرَفش، اختر	Fresh	تازه
Flame	زبان، لُخْشَه	Friday	آدینه
Flat	هموار	Friend	دوست
Flea	کیک [کک]	Frog	غوک
Flock	گله	From	آز
Flood	توفان، تیر	Frost	یخبندان، شَجَن
Floor	هرجه وا گسترانند	Fruit	میوه، شایه
Flour	آرد، پست	Full	پُر، آگنج
Flute	نای	Future	آینده
Fly	مگس	G	
Fibre	رگ		
Foam	کف	Gabriel	سروش
Foe	دشمن	Gain	سود
Foetus	بچه در شکم، افگانه	Game	شکار، نخجیر
		Garden	باغ
Food	خوردنی، خوالی	Garlic	سیر
Fool	عَتَقَرَه	Gate	دروازه
For	از برای	Gather	بچین
Forehead	پیشانی	Gay	خوشگذران
Foreign	بی شهر، بیو آره	Gem	بچه خور

Gemini	دوپیکر	Guitar	بُرَبط
Genius	هوش	Gulf	پاره از دریا
Girl	دختر	Gun	توب [توب جنگی]
Glass	شیشه، آبگینه	H	
Globe	گوی	Hale	آفرین، آباد، انوشه
Gnat	پشه	Half	نیم
Goat	بُر، بُج	Halo	برهون، شادوَرَد، خرگَر
God	خدا، ایزد، یزدان	Hammer	پتک، خالینک
Gold	زَر	Hang	آویز
Good	خوب، نکو، نیک	Hard	درشت، سفت
Goose	قاز	Hare	خرگوش
Grain	دانه	Harp	چنگ
Grape	انگور، سَمَّه	Hart	آهوی نَر
Grave	گور، دخمه	Haste	شتاب، بنیز
Grease	چربی	Hat	کلاه
Grease	بزرگ	To have	داشتن
Greece	یونان	Hawk	باز
Green	سبز	Hazel	گلوز
Grief	اندوه، گرم	He	او، اوئی، وئی
Grind	بسا	Health	تندرستی
Groan	نال، داد	Heap	توده، ورزّه
Ground	زمین، نسکا	Hear	بشنو
Guest	مهمان	Heard	بشنید
Guilt	گناه	Heart	دل، مَن

Heat	گرما	Herd	گله
Heaven	آسمان، چرخ، گرَزمان	Here	اینجا
Heavy	سنگین، مَهِست	Herring	شاه‌ماهی
Hell	دوزخ، مَرزغان	High	بلند
Help	یاری کردن	Hell	تپه
Hen	ماکیان	History	ماه‌روژه، باستان
Herb	گیاه	Hog	خوک
Horn	سُرُو، شاخ	Hole	لانه
Horse	اَسب، یگران، خَنگ	Home	خانه
Host	میزبان	Honey	انگبین، شهد
Hot	گرم، تَفَت	Honour	گرامی داشتن
Hour	نَسُو	Hoof	سُم، سَنب
House	خانه	Hope	امید، هوس، آرزو
How	چون، چگونه	I	
Howmuch	چند	I	مَن
Hundred	صد، سد	I was very old	(آی واز وری اَلدِ ذِن) یعنی
Hung	آویخت	Then	من بودم زیاد پیر آنگاه
Hungry	گرسنه، ناهار	Ice	یخ، مَسر
Hunter	نخجیرگر	If	اگر، هرگاه
Hurt	آزرد	Ill	بیمار، رنجور
Husband	شو، شوهر	Impossible	نَشونده
Hush	خاموش	Impudence	بی‌شرمی
Husk	پوست	Impudent	بی‌شرم
Hyena	کفتار	Inch	گره

Inclination	خواهش	K	
Indeed	آمیغ	Key	کلید، زنگ
India	هندوستان	Kidney	گرده
Infield	دُرَوَند، مُنبَل	Kindred	خویشاوند
Injur	آزار	King	شاه، خسرو، خدیو
Ink	آمه	Kiss	بوسه، ماچ، شفتالود
Inn	غوشاد، کاروانسرا	Kite	خاد، غلیواژ
Iron	آهن	فوت سلاطین و امرا در	ناقوس مردن که در
Isle	آداک، خواست، آبجون	Knell	کلیسا نوازند.
J		Knife	کارد
January	فروردین ماه [اوایل دی تا بهمن]	L	
Jar	سَبو	Ladder	نردبان، هِدینه، اُرچین
Jaw	چانه، مَنه	Lady	خانم، بی بی
Jealous	شَکِن	Laid	گسترد
Jew	جهود، نِفوک، تِداک	Lamb	بره
Jewess	زَن جهود	Lame	لنگ
Joint	پیوسته	Lamp	چراغ
Journey	جَرْمَزَه	Lancet	نِشتر، نِشتر
Joy	شادی	Land	خشکی
Judge	موبد، هیرئد، وچَرگر	Language	زبان
July	مهرماه	Large	بزرگ
June	شهریورماه	Large	جهود، نِفوک، تِداک
Jupiter	برجیس، بَرُو، زاوُش	Lash	تازیانه، تازانه
Justice	داد	Last night	دوش، شب پیش

Latitude	پهنا	Light	تاب، فروغ، شید
Laugh	خنده	Light	سبک
Law	کیش، آئین	Lightning	بُخَنُوَه، آذر گَشَسَب
Lead	سرب، اَسْرُب	Like	انباز، هِمال، مانند
Leaf	برگ	Linen	لَن
Lean	لاغر، نزار	Lion	شیر
Lecture	یاد دادن	Liver	جگر
Leech	زُلو، دیوچه، شُلوک	Lobster	خرچنگ
Left	چپ	Lock	کُلاله، زُلف
Lemon	لیمو	Lock	کلیدان، بند، کوپله
Lentil	دانه، وانج، مَرَجَمَک	Long	دراز
Leo	شیر	Longitude	درازا
Leopard	پلنگ	Loking glass	آئینه
Lest	مباد	Loss	زیان
Let	بگذار، هل	Lot	پَشَک
Lettuce	کاهو، کوک	Louse	شپش
Level	همواره، یکسان	Love	مهر
Libra	ترازو	Lover	غاش، خاش
Liberal	جوانمرد، راد	Low	پست
Liberality	بخشش	Lung	شُش
Liberated	آزاد	Lust	کَشَوَد
Lick	بلیس	M	
Life	دآد	Mace	گُرز، لخت
Light	بفروز	Magazine	جاش

Make	می ساز، بساز	Middle	میان
Male	نَر، گَشَن	Midnight	نیمشب
Man	مَرَد، کاک	Milk	شیر
March	خرداد ماه	Milky way	کاهکشان، آسمان درّه
Mare	مادیان	Mill	آسیا
Margin	کرانه، کناره	Miller	آسیابان
Market	چارسو، بازار	Millet	ارزن
Marriage	کابین، کاوین	Millstone	سنگ آسیا
Mars	بهرام	Mind	خَرَد، فرهنگ
Masculine	مَرَد	Mine	کان
Mason	سنگتراش، گلیگر	Minister	دستور
Mast	دَگل، تیر	Minstrel	رامشگر، خنیاگر
Mat	بوریا، بلاج	Miser	سیه کاسه، رُفت
May	مرداد ماه	Monday	دوشنبه
Me	مرا	Modest	شرمگن
Meadow	چمن، مرغزار	Moment	آن
Mean	خواری	Money	پول
Meaning	خواسته	Monk	کشیش
Meat	گوشت، خَوا	Month	ماه
Medicine	درمان، دارو	Months	ماهها، ماهیان
Mediterranean	دریای سفید	Moon	ماه، لَوخَسَن
Merchant	بازرگان	moon	ماه، لَوخَن
Mercury	تیر	Morning	بام، شبگیر
Meteor	شَوَله	Mortar	یانه

Mosquito	پشه، نازده	Nest	آشپانه، آشیان، کاوَرک
Moth	پروانه	Net	دام، تله، جال
Mother	مادر، مام	Neuter	برابر
Mountain	کوه، شخ	Never	هرگز، بنیز
Mouse	موش، مَرَزَن	New	نو، نو، تازه
Mouth	دهن، دَهان	Night	شب
Much	بسیار، افزون	Nine	نه
Mud	گل، زَمُو	Nineteen	نوزده
Mulberry	توت	Noble	گوهری
Mule	اَسَتر	North	[شمال]
Musket	تفنگ	Not	نیست
Mute	خامش، خاموش	Not current	مَنَدَک
Mystery	راز	November	بهمن ماه
N		Now	اکنون، کنون
		Nut	گردو، گوز، گردکان
Nail	ناخن	O	
Name	نام		
Nation	پُروشان، هاوُش	O	آی، آلا
Near	نزدیک	Oath	سوگند
Needle	سوزن، دَرَزَن	Oblige	نیایش، هَن
Negative	نیست کردن	Ocean	دریای بزرگ، آرَوَند
Neighbour	همسایه، همسرایه	October	دی ماه
Nephew	اولاد برادر و اولاد خواهر	Of	از
	را نیز گویند.	Oil	روغن
Nerd	مزخرف	Old	پی

Oldness	پیری	Paradise	بهشت
Omelet,[Omelette]	خاگینه		در هاله خورشید [
Once	یکبار	Parrot	طوطی، توتک
One	یک	Part	بهره، ژون، رسد
Onion	پیاز	Partridge	کَبک، زَرچ
Open	آشکار، هویدا، پدیدار	Past	کار گذشته
Or	یا	Pat	شایسته، سزاوار، اندر خور
Orange	نارنگ	Paw	پنجه، چنگال
Origin	نژاد، گوهر	Peace	آشتی
Ostrich	شتر مرغ	Peace	درو
Other	دگر	Peach	هلو، شفتالو
Ought	باید	Pear	آمرود، مُل، بادرننگ
Over	بر-فرا	Pearl	مروارید، کسپَرچ، گوهر
Owl	جغد، بوم، بوف	Pen	خامه
P		Pen-knife	قلمتراش
Pain	درد	People	بندگان، آفریدگان
Painter	نگارگر	Perhaps	شاید، بُک
Palace	جَوْسه، کُشک	Perplexed	آشفته، دروا
Pantaloons	شلوار، رانین	Persia	ایران
Panther	یوز	Perspiration	خُوی
Paper	کاغذ	Persuasion	بر آغالیدن
Parents	پدر و مادر	Pestle	دسته، یاور
Parhelion	[خورشید ساختگی، نقطه‌ای گرد و درخشان	Picture	نگار
		Pillar	اُسْتُن، ستون، باغر

Pillow	بالش، بالین	Prayer	نماز گزار
Pimp	قُرْمَساق، کَشْخَان، غَلْتَبَان	Preacher	اندرز گوی
Pin	سنجاق	Precious	گران بها، بهاور
Pisces	ماهی	Pretence	بهانه، پوزش
Pish	آخ	Probable	باشد که
Pit	چاه	Promise	نُویِد
Pitch	کَرْف	Proof	نَخْشَه
Place	جای، گاز، وَاخَر	Prophet	پیغمبر
Plain	دشت، راغ	Prussia	پروس
Plaster	مَلْغَم	Pulpit	افزار
Plate	بشقاب، تَبِشی	Punishment	آزار
Pleasant	خوش، خوب	Puss	گربه
Plump	فربه، لُبَه	Q	
Plural	همگان	Quail	وُشْم، سَمَانَه، وِتْک
Poison	زهر	Question	پرسش
Pole	نشین	Quick-silver	سیماب، جیوه، آبِک
Pomegranate	انار	Quilt	بَستَر آهَنگ، زَبرپوش
Poniard	دشنه	Quince	آبی، بَه
Poor	گدا، درویش	R	
Port	بَنَدَر	Race	مسابقه
Possible	شونده	Radish	تُرَب
Pour	می ریز، بریز	Rain	باران
Praise	سپاس، درود	Ram	قوچ
Prawn	میگو	Rat	موش، مرز

Raw	خام	Round	پیرامُن، گرداگرد
Rebeck	چارتار	Royal	شَت
Red	سرخ	Ruby	بَهْرَمَن، یا کُند، بَهْرَمَان
Refuse	پَخشا، دریغ داشتن	Ruin	ویران، نشت، ییات
Religion	کیش	Run	بگریز
Reproof	بازخواست	S	
Reward	مُزد	Sad	پشیمان
Rhinoceros	کُرُک، [کرگدن]	Saddle	زین
Rib	دنده	Safe	اَیْمَن
Rice	برنج، بِج	Sagittarius	کمان
Rich	توانگر، مالدار	Sail	بادبان
Ridge	سِرِکوه، چگاد	Salmon	آزادماهی
Right	درست، هُده	Salt	نمک
Right	راست	Sand	ریگ
Ring	نگین	Sap	تری نَم
River	رود، خوالی (بروزن عالی)	Sat	بنشست
Road	راه، باخ، هَنجار	Saturn	کیوان
Robber	راهن، مَنگل	Saturday	شنبه
Roe	آهوی ماده	Saw	اره، یوسه
Room	اوطاق	Say	بگوی
Root	بیخ	See	بین
Rope	رِسمان، ورس	Sea	دریا، دریاب
Rose	برخاست	Search	بجوی
Rose	گل، گردنای	Secret	نهان، پنهان

Seed	تخم	Smith	آهنگر، نهامین
Select	گزین، بگزین	Smoke	دود
Sell	بفروش	Snow	برف، هَلْناک
Sentences	وَجَر	So	چنین
Sick	بیمار، رنجور، آنگار	Soap	برهوه
Sieve	ماشو، پرویزَن	Socks	گورَب
Sift	ببیز	Soft	نرم
Sign	نشان	Soil	لاد، خاک، پُلم
Silk	بریشم، ابریشم، کُز	Sold	بفروخت
Silver	سیم	Some	پاره
Sin	گنه، گناه، بزه	Son	پسر، لَند، پُور
Since	از آنگاه	Soon	زود
Singular	یکی	Sorrowful	اندوهگین
Sister	خواهر	Soul	جان، روان
Six	شش	Source	سرچشمه
Sixteen	شانزده	South	[جنوب]
Size	اندازه	Sound	آواز
Skirt	دامن، دامن	Sour	ترش
Sky	آسمان	Sovereign	پادشه، شهریار
Slave	رهی، گروکان، بنده	Sow	گراز
Sleep	خواب، بوشاسب	Spade	بیل
Sleeve	آستین، بادبَان	Span	وَجَب، بِدست، اودَس
Small	خُرَد، کوچک	Spark	آخگر، خُدزَه
Smell	بو	Sparrow	گنجشک، بنجشک

Spear	نیزه، بیغال	Sunday	یکشنبه
Spirit	جان، روان	Supplication	نیاز، تَلَنه
Spit	سیخ، گردنا	Swan	قو
Spleen	سپرز	Sweet	شیرین، نوشین
Spoil	تاراج، تاخت	Sword	تیغ، بلارک
Spoon	قاشق	Syria	هاماوران
Spring	بهار، بهامین	T	
Stair	پله، پَنَغه	Table	میز
Star	ستاره، آلوا	Tail	دُنب، دُم
Sting	نیش	Take	می گیر، بگیر
Stone	سنگ، خاره	Tallow	پیه
Stood	استاد، ستاد	Talon	پنجه
Stork	لگَلک، بَلارَج	Tank	آبگیر، شَمَر، خانی
Story	افسانه	Taught	آموخت
Sraw	کاه	Taurus	گاو
Stream	جوی	Tea	چای
Strong	زورمند	Teach	آموز
Struck	زد	Teacher	استاد
Student	شاگرد	Teapot	چایدان
Such	چنین، ایَمه	Tear	اشک، سِرَشک
Sugar	شکر	Tell	می گوی، بگو، واج
Sulphuer	گوگرد، گندش	Temper	خو، مَنش
Summer	تابستان	Temperate	نه گرم و نه سرد
Sun	مهر، خورشید، شَر	Ten	ده

Testicle	گُند، خایه	Though	هرچند
That	آن	Thought	سگال
The	بدانکه اداة معرفه عبارت از سه حرف است که دایم به اسم متصل می شود	Thousand	هزار
	که بیان می کند تعریف و مقدار و کمیت آن شیء	Throes	دَرْدَرِه
	را یکی ذی است که افاده عهد و تعیین می کند	Three	سه
	چنانکه گیو می ذی بُوک	Threshold	سِتانِه، آستانِه
Give me	book	Throne	تخت شاهی، گاه، اورنگ
	یعنی اعطی الکتاب که کتاب معین معهود مراد است.	Through	میانِه
	دزدی	Thumb	انگشت، سترگ
Theft	آنگه، پس	Thunder	تُندر، بُختوه
Then	بنوش پس	Thursday	پنج شنبه
Drink then	اینها	Thus	همچنین
These	ایشان، اوشان، آنها	Tiger	بیر
They	دُزد	Tight	تَنگ
Thief	لاغر، نزار	Tigris	اروند
Thin	تشنه، کُشنه	Till	تا
Thirthty	سیزده	Time	گاه، هنگام
Thirteen	سی	To	تا
Thirty	این	Toast	بریان
This	آنجا	Today	امروز
Thither	خار	Tomb	گور
Thorn	آنها، اوشان	Tongs	ماشه، انبر
Those	تو [منسوخ شده است]	Took	بِگرفت
Thou		Top	چکاد، کَلَه کوه

Tore	بدرید	Unkind	نامهربان
Torture	شکنجه، بایک، پاهک	Unless	مگر اینکه
Town	شهر خورد [کوچک]، تومن	V	
Tranquil	آسوده	Valley	خشکرو، فرغر
Treasure	گنج	Vapour	نژم، خرم
Treaty	پیمان، زنهار	Veil	روی بند
Tree	درخت	Vein	رگ گردن
Troat	قزل آلا	Venus	ناهید، زاور
True	درست	Vessel	باردان، وند
Trusty	استوار، اوستان	Vessel	کشتی، گلبت، سُماری
Turnip	شلغم، شلم	Vetch	مُلک، کُلوک
Tuesday	سه شنبه	Victim	برخی، گریان
Tusk	یشک [دندان نیش، عاج]	Village	ده، کلاته
Tutor	استاد	Virgin	دوشیزه، بالست
Twelve	دوازده	Virgo	خوشه
Twenty	بیست	Vowel	[مصوت، صدادار]
Twins	هم شکم، جنابه	Vulture	گرگس
Two	دو	W	
Two hundred	دویست	Waist	کمر، میان
Two thousand	دو هزار	Wall	دیوار
Tyrant	ستمگر	Who	کی، که
	U	Why	چرا
Uncle	برادر پدر	To want	خواستن
Under	زیر	War	جنگ، کارزار، رزم، نبرد، پیکار

Warm	گرم	Wide	فَراخ، گشاد
Wash	بشوی	Wife	جُفت
Water	آب	Wind	باد
Watermelon	هندوانه	Wine	مَی، باده، بگماز
Wave	نَره، خیزاب، کوهه	Wing	بال، پر
We	ما	Winter	زمستان
Wealth	خواسته	Wise	دانا
Weapon	جانه	With	با
Weather	پناد، نَوَدَه	Wolf	گرگ
Wedding	پيوگانی	Woman	زَن، خارَه
Wednesday	چهارشنبه	Well	چاه
Week	هفته	Womanly	زنانه
Weight	بسنج	Womb	بوهمان، زِه دان، بوگان
West	باختر	Wood	هیزم، هیمه
Wet	نَر	Wool	پشم
What	چه چیز است، چیست	Word	سخن، وات، گپ
Wheat	گندم	Wound	زخم، ریش، وآلانه
When	کی	Wrist	رَشَن
Where	کُز، کجا	Wrote	بنوشت
Whether	آیا	Wrung	فشرد، آفشرد
White	سفید	Y	
Whore	روسپی، غَر، شلف	Yard	گَر، جَنان
Wickedness	بدی	Year	سال

Years	سالها، سالیان
Yell	افغان، فریاد، وای
Yellow	زرد
Yes	آری
Yet	هنوز، تاکنون
You	شما، [تو]
Young	جوان، بُرنا
Youth	جوانی



McGill University
Montreal Canada

Institute of Islamic Studies



University of Tehran
Tehran Iran

Nisâb-i Ingilisî
A Traditional Glossary of English-
Persian-Arbic Words for Early
Learners in Verse

By
Mu'tamid al-Dawlah Farhâd Mîrzâ

Edited By
M. Mohaghegh

Tehran

2006

**Publications of the Iranian Association
for the Promotion of Persian Language
and Literature**

No. 15

Under the Supervision
of
M. Mohaghegh

In The Name Of God

**To Commemorate the 37th Anniversary of
the Establishment of
The Institute of Islamic Studies
University of Tehran-McGill University
January 4th 1969**

